

پیش به سوی اتحاد سراسری شوراهای زحمتکشان!  
برای تشکیل مجلس مؤسسان نهضت ملی و انقلابی!  
زنده باد حکومت کارگران و دهقانان!

# چه باید کرد آزاد باید کرد!

صدای حزب کارگران سوسیالیست

۴۴

شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ قیمت ۳۰ ریال

- حکومت ائتلافی یا حکومت کارگران و دهقانان ص ۳
- صدور انقلاب اسلامی یا صدور ضد انقلاب سرمایه داری ص ۴
- رابطه بین سیاست تضییقات اقتصادی و اسلام مکتبی ص ۵
- ریشه های بحران حکومتی ص ۶ ● شرکای آدم سوزی سینما رکس ص ۸
- ضرورت مبارزه برای آزادی احزاب ص ۹

بیانیه بین الملل چهارم در دفاع از انقلاب کردستان ص ۷

● مجلس آلمان و معین فر بازم مدال گرفت! ص ۱۰ ● نماز جمعه چولانگاه مفتربیان ص ۱۰  
● یشت لوزاک سخنی بادوستن مجاهد ص ۱۱ ● مبارزات "فدطافوتی" امام ص ۱۰

اعتصابات کارگری در لهستان و حزب توده ص ۱۳

- حمله به کانون شوراهای کارگری شرق ص ۱۲
  - در دفاع از کارگران تراکتور سازی تبریز ص ۹
  - مسجد سلیمان در مبارزه علیه بیکاری! ص ۱۱
- برنامه عمل زحمتکشان:  
آزادی زنان ص ۱۳

ارتش و پاسداران را از کردستان خارج کنید!

# ضرورت مبارزه برای آزادی احزاب

روزی نمی‌گذرد که خبر از کشف خانه‌های تیس گروه‌های "شد انقلاب" در میان تپیه - ریزنامه‌های رمسی و دست‌نشانده با آب و تاب مسواکان شاهکارهای جاسوسی کتبه‌ها و سپاه پاسداران را نقل می‌کنند. البته همواره با جاشی دروغ تحریف - همواره بی‌نشیات و کتاب‌های کمونیستی "الخطاب" استاد رابطه با آمریکا - صهیونیسم - پانزلیان و ... و در عین حال سواد بخدر - مشروبات الکلی - نشیات سکسی و فرس‌های ضد حاکمیت نیز کشف می‌شود. تنها یک مانده که گوییم - گزاف و اغراق‌آمیز است. نیز به گزاف و اغراق‌آمیز است. نیز در خانه‌های تیس کشف نمی‌شود! از قدیم گفته‌اند دروغ هر چه بزرگتر باشد باور کردنش آسانتر است.

و تاخت سپاه پاسداران و دولتی جمهوری اسلامی دوران شاه و روش‌های کتبه‌پلیسی مبارزه را به خاطر می‌آورد. سپاه پاسداران نه تنها به نفی خاندان‌های مردم دست می‌زند بلکه امنیت را در کوره و خیابان از ما زمین سلب کرده است. اوباش سازمان یافته و مأمورین مخفی و غلظی غامضین با نفی بد نسبی می‌مانند. در دست داشتن یک رقیب اعلامیه با یک نشیبه جرم محسوب می‌شود. دستگیری کتبه‌ها و زندان را در پی دارد. جانب انجمن است که هنوز هم دستگیر شدگان به همان زندان آشنای اوسن فرستاده می‌شوند. اجناسات دست‌نشانده و چند نفری مورد هجوم پاسداران تسرار گرفته و مشورت محسوب می‌شوند. آدم‌زدی سیاسی توسط پاسداران هنوز رواج دارد. حکومت خفقان پلیسی که دولتی جدید سرمایه‌داران در راه استعمار آن گام بر می‌دارد. ادامه نفی خاندان است که به آزادی بیان و اندیشه و احزاب در گذشته سازمان یافت و اسیر و تنبیه ابعاد گسترده تر بخود گرفته‌اند. حملات جدیدی که به آزادی احزاب صورت می‌گیرد. تنها به نفی‌های ترحم‌ناوای خلاصه نمی‌شوند بلکه هستی‌های گذشته بیخ اربابش با روش‌های جدید پلیسی - تبلیغاتی و "قانونی" تریکب شده‌اند.

دو دسته‌های اوباش رفته‌گشتی هنوز به کتاب سوزی و ضرب و جرح مبارزین ادامه می‌دهند. یک‌نامه پیش دادستان کل انقلاب اسلامی اشکال دفا تر سازمان‌های سیاسی را عیسلی غیر قانونی و ضد انقلابی خوانده‌اند و همین بگماه گشته دفا تر سیاسی بیشتری به اشغال اربابش "بیرون خط آدم" دو بگر فرقه‌های اسلامی درآمده‌اند. دادستان

کل انقلاب اسلامی نه تنها کوچکترین اقدام جهت دستگیری عاملین حمله به دفا تر سیاسی بعمل نیآورده است بلکه حتی از بازپس گرفتن دفا تر از دست اربابش و سپاه پاسداران و تحویل آنها به سازمان‌های سیاسی نیز سرباز زده است.

حالات اخیر که به آزادی احزاب و اندیشه صورت گرفته است برای بار دیگر نشان داد که سازمان‌های اوباش و جهادگران توسط سپاه پاسداران جامعه روحانیت و بازاریان انجام می‌شود. حزب جمهوری اسلامی اگر خسود و سازمان‌های اوباش و جهادگران مستقیماً دست‌نشانده باشد (که دارد) از آنها مستقیماً حمایت می‌کند.

در قائم شهر "مردم" چاقوکش حزب جمهوری اسلامی پس از حمله به کتاب فروش‌ها و ضرب و جرح فروشندگان نشیات باضربه چاقو یکی از طرفداران سازمان مجاهدین خلق را که قسلاً شناسایی کرده بودند به قتل می‌رسانند. در حالی که بخاطر این جنایت تمام مردم شهر را سرپا ختم و نفرت فرا گرفته است. روحانیت "ساز" قائم شهر این حملات جنایات را تأیید می‌کند و بازاریان شهر در تأیید اوباش حزب اللهی سازمان یافته تعظیم می‌کنند. آقای مدنی دادستان انقلاب اسلامی قائم شهر جای دستگیری رهبران دسته‌های حزب اللهی و عاملین این جنایات چند "فیر قانونی" نمودن فعالیت گروه‌های سیاسی را می‌دهد.

قائم شهر یک استثنا نیست. اخیراً بوشهر - صومعه سرا و بندر ریگ شاهد خود کامیگبهای دار و دسته‌های اربابش و ضرب و جرح مبارزین و جشن‌های کتابسوزان فرقه‌های حزب اللهی بوده‌اند. کثرت شهری در گوشه و کنار ایران می‌تواند باعث که حزب الله آن ضرب شتمن نشان نداده باشد و عدای از جوانان شهر را راهی بیمارستان و گورستان نکرده باشد. همواره با گسترش حملات حزب الله و خانه‌گردی سپاه پاسداران حملات گزافه‌ها و دست‌نشانده‌های انقلاب نیز از قافله عقب نمانده‌اند. در حمله به آزادی احزاب شرکت خود را اعلام کرده‌اند. شیخ محسن ارانی حاکم شرع آبادان و خرمشهر ادعا می‌کند: "دولت با گروه‌های سیاسی منحرف" انقلابی برعبرور نکرده است. از نظر شیخ محسن ارانی برعبرور انقلابی آن است که دولت هنوز کلیه کسانی را که مثل ایشان نگر نمی‌کنند و بنا بر این "منحرفند" به "جرحه" اقدام نسپرده است. ایشان ظافراً می‌کنند که حداقل دولت گروه‌های منحرف را غیر قانونی اعلام کند تا در سبب ایشان در صدر احکام اقدام باز نسپرده و منابع سرمایه، دولت جمهوری اسلامی

در هر حال داد سزای انقلاب اسلامی نمی‌تواند در حمله به دست‌آورد‌های آبادان و اهواز در این امر پیشقدم شده. جنبش تودم‌های ضد استبداد چشم بوسی است و فعالیت احزاب تشریف در این کتبه‌ریزی که به دروغ یعنی دست‌ساز شهبوها را غیر قانونی اعلام نموده است. منابع "مستفهمین" است. بسیاری حضرات سیاستمداران که فریاد نسا ناز تعدد مراکز قدرت به آسان بلند است. در برابر خود کامیگبهای شیخ محسن راکی و هیواگبهایشان سکوت را ترجیح دادند. دادستان انقلاب اسلامی بایل با غیر قانونی اعلام کردن فعالیت احزاب تشریف از داد سزای انقلاب اسلامی آبادان تبعیت می‌کند. دادستان انقلاب اسلامی عمل گروه‌ها را تهدید می‌کند مابعد فعالیت آنها خواهد شد.

برای سرکوب آزادی احزاب و دولتی و ریس بکار افتاده‌اند. دستگاه‌های جمعه‌ها خطبه‌های نازشازان را به حمله به "مناقضین بدتر از کفار" و "کومبیت‌های کافر" اختصاص دادند. روحانین وابسته به دستگاه دولتی سر هر مطبوعه و سخنرانی روضه "انحلال گروه‌های سیاسی را سر می‌دهند. رادبو و تلویزیون سانسور زده و فحاشی به نیروهای تشریف را بدون آنکه حسی پاسخگوین وجود داشته باشد بمنسوان تحلیل سیاسی ارائه‌دهند. ریزنامه‌های رسمی حقایق حملات دسته‌های حزب اللهی را با دینه نشان می‌دهند. آنها دار و دسته‌های اوباش را بر می‌معرف می‌کنند که از دست اصلاح گروه‌های سیاسی به ختم آمده‌اند. آنها کتابسوزی و ضرب و جرح طرفداران نیروهای تشریف را با حلق مسلم دسته‌های اوباش می‌اند. آنها دفا تر مردم از خود را در مقابل دست‌های چاقوکش و لسه کتی حزب اللهی گناه کبیره می‌دانند. آنها کسانی را که از جان خودشان در برابر وحشیگری‌های پاسداران و اوباش مزبور دفا تر می‌کنند "مهاجم" معرفی می‌کنند و جهادگران را مردم مظلومی که مورد حمله قرار گرفته‌اند نشان می‌دهند.

فد انقلاب حاکم در راه استعمار استبداد و خفقان پلیسی گذشته حرکت می‌کند. حکومت اسلامی تکیه ولی چیزی جز دولت سرمایه‌داری نیست. سرمایه‌داری نا توان و ناقص جامع‌گشتت "سلطه" امپریالیزم قادر به تحمل آزاد بهای دیوگراتیک نیست. سرمایه‌داری نا توانی که قادر به پاسخگوین به ابتدای نیست نیازهای توده‌های کارگر و زمینگش نیست. نمی‌تواند تبعیضات مانده آزادی احزاب کارگری، اتحاد به‌های کارگری و آزادی مطبوعات را تحمل کند. دولتی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیز در این میان استثنا نیست. برای حفظ حاکمیت و منابع سرمایه، دولت جمهوری اسلامی

چشمه به آزادی احزاب و دفا تر سیاسی اجتناب ناپذیر است. آزادی احزاب و دفا تر سیاسی اجتناب ناپذیر است. آزادی احزاب و دفا تر سیاسی اجتناب ناپذیر است. آزادی احزاب و دفا تر سیاسی اجتناب ناپذیر است.

# حکومت ائتلافی

## یا

# حکومت کارگران و دهقانان

دهقانان بنا بر این برای منترک کردن  
قزای طبقه کارگر و آغاز مبارزات انقلابی  
مناسبت است.

بنا بر این حکومت واقعا انقلابی  
محصول جنگ با بیوزاری است که  
ائتلاف با آن آنها یک حکومت ائتلافی  
قادر به انجام وظایف سیم بالا خواهد  
بود. واضح است که غیر بیوزاری و  
نابندگان سرمایه‌داری هیچگاه حاضر  
نیستند بر اساس برنامه در هم شکست  
ارگان‌های ضد انقلابی دولت بیوزاری  
( ارتش - پلیس و غیره ) مسلح کردن  
مردم با نابندگان زحمتکشان ائتلاف  
کنند. دقیقا برای جلوگیری از انجام این  
کارها توسط زحمتکشان و انداختن انرژی  
انقلابی به مجرای پشتیبانی از حکومت  
سرمایه‌داری است. که آنها دست تشکیل  
حکومت ائتلافی میزنند.

فرض کنیم ( فرض محال که محال  
نیست ) در همین کابینه اخیر برادر  
رحیمی با رفیق کنگر نیز موافق بودند. آنها  
این امر مانع از آن می‌شد که با ساداران  
در کردستان سرکوب کنند و با برتظاهرات  
کارگری آتش بکشند؟ یا بطور کلی  
کارهایی را که هم‌اکنون انجام می‌دهند  
انجام دهند؟ واضح است که جواب  
منفی است. تجربه حکومت‌های قبلی  
( حکومت موقت بازرگان و دوران ریاست  
جمهوری بنبردر ) ما به خوبی نشان  
داده است که دست و پاچه‌های کابینه  
در مقابل ارگان‌های اجرائی چون  
کمیته‌ها و سباه ساداران نبینند. در نتیجه  
تجربه عملی چنان ترسناک بود که در کابینه  
اسن می‌بود که برادر رحیمی از ترس دولت  
سخن برانگی‌های انقلابی کند. و بهرچه  
ظلم و زیرکوبی و اجحاف است حمله کند.  
ولی در خیابان با ساداران مکتس آن را  
انجام دهند. و بیوزاری نیز با رضایت  
خاطر حاضر بود هر نوع سخن برانگیسی  
ماتوق انقلابی را تحمل کند بشرط آنکه  
در عمل با ساداران دست‌شان آزاد باشد  
و بتوانند هر کار که می‌خواهند بکنند.  
نتیجه عملی چنین کاری رنگ و لعاب کردن  
حکومت ضد انقلابی و ضد مردمی  
سرمایه‌داری خواهد بود.

شکند هر سازمانی در حکومت  
ائتلافی بدین معنی خواهد بود که آن  
سازمان دست در دست‌سازمان‌ها و  
اجزای ارتجاعی سرمایه‌داری نهاد و خود  
را در امان سرکوبگران ضد انقلابی  
آنان شریک کرده است. حکومت ائتلافی  
حکومتی است مابین سرمایه‌داری و ضد  
انقلابی که بیوزاری در شرایط بسیار  
بحرانی یعنی شرایطی که خود  
تنبه‌ای دیگر قادر به حکومت نیست تشکیل  
می‌دهد. و آن سازمان‌های کارگری  
( سازمان‌های سیاسی کارگران و  
زحمتکشان ) که از هم‌اکنون آگاهی  
خود را برای شرکت در حکومت ائتلافی  
اعلام می‌کنند. در واقع اعلام می‌کنند که  
غیر در صفحه ۵

ائتلافی ( تنها طریق ممکن ) حل کند  
چنین کرد. وظایف شرعی که منتهی  
آنها ایجاد می‌کند تنها حکومتی که متکی  
و متصل به بیس عظیم، توده‌های مسلحانه  
زحمتکشان باشد. از همه آنها برآید.  
حل بحران‌های اقتصادی اجتنابی  
جامعه سرمایه‌داری بدون کوتاه کردن  
دست سرمایه‌داران، تاجران، دلالان  
زمینداران و بخش‌های از اقتصاد مملکت،  
خلع به سلب مالکیت از همه آنها و  
قرار دادن اقتصاد مملکت در دست  
زحمتکشان غیر ممکن است. یک چنین  
اقداماتی بخش آغاز شدن با مقاومت  
شدند سرمایه‌داران داخلی و خارجی  
بر روی می‌شود. گله مزدوران دست‌بسته  
سینه و مسلح آنها ( ارتش، پلیس  
پاسدار، چاق‌دو و غیره و نیروهای  
کارشکنی و جلوگیری از اقدامات انقلابی  
سج خواهند شد. همانطور که هم‌اکنون  
برای جلوگیری از اقدامات انقلابی  
زحمتکشان سبج شده‌اند. دستگاه‌های  
اجرائی دولت موجود ( ارتش پاسدار  
و غیره ) نه فقط برای انجام اقدامات  
انقلابی مناسب نیستند. بلکه سده‌ها آن  
هستند و می‌باید از هم شکسته شوند.  
اراین وظیفه یک دولت انقلابی برچسود  
آوردن نبیند است که قادر به این کار  
باشد. چنین نیرویی را چگونه می‌سازان  
بوجود آورد؟ تره‌های دومین کنگره  
بین‌الملل کمونیست. وظایف اصلی حکومت  
زحمتکشان را بدینگونه بیان می‌کند:  
" وظایف سیم چنین حکومتی می‌باید  
سج کردن بیوزاریا، خلع سلاح بیوزاری  
و سازمان‌های ضد انقلابی، ایجاد  
کنترل بر تولید، انتقال بار اصلی مالیات  
برودش بر توده‌ها و ستایش کردن بی‌ظایت  
بیوزاری ضد انقلابی باشد."

یک چنین حکومتی فقط وقتی امکان  
پدیر است که حاصل مبارزات توده‌ها  
باشد. از پشتیبانی بدین سازمان‌های  
کارگری، سازمان‌هایی که قادر به مبارزه  
هستند. سازمان‌هایی که شده بدین  
اقتدار جامعه برای دفاع از منافع خود  
بوجود آورده‌اند. برخواه‌ار باشد...  
واضح است که دوام چنین حکومتی که  
سیاست‌های انقلابی را تقویت می‌کند به  
یک مبارزه خشن با بیوزاری و نهائیا  
جنگ داخلی می‌انجامد. تنها کوشش  
بیوزاریا برای تشکیل چنین حکومتی برای  
برانگیختن خشن ترین مقاومت بیوزاری  
کامیست. شعار حکومت کارگران و

گذاشتن با لغو کردن قوانین  
کارگری بر سر آنها آمده است کافی است؟  
از آنجا که این موضع جنبشی کارگران  
سلطان از اهمیت به مزایم برخوردار است.  
ویژه در آینده در عمل مهم خواهد  
بود. لازم است قدری تامل تر به آن  
بروزیم. آیا یک حکومت ائتلافی  
( ائتلافی از نابندگان زحمتکشان و  
نابندگان سرمایه‌داران ) قادر به حل  
مسائل جامعه ما خواهد بود. یا بهر  
بنا کنیم آیا نابندگان زحمتکشان  
می‌توانند از طریق شرکت در یک حکومت  
ائتلافی برنامه خود. یا لاقط بخشی از  
آن را به اجرا در آورند؟ از طرف  
دیگر نابندگان سرمایه‌داری ( مثل آقای  
رحیمی که نشیبه بازی انقلاب از ایشان  
تقاضای تشکیل یک حکومت ائتلافی را  
می‌کند ) در چه شرایطی حاضر  
ائتلاف با نابندگان زحمتکشان می‌شوند.  
و به چه منظور؟ ماهیت حکومتی مرکب  
از این دو طرف نابندگان حزب جمهوری  
اسلامی، لبرالها و افشارها، فرقه‌ها، هکس مردم  
و رئیس جمهور، و از طرف دیگر سازمان  
مجاهدین خلق ایران و سازمان  
چریکی‌های فدایی خلق ایران چه خواهد  
بود؟ آنها سولاس هستند در مبارزه  
حکومت ائتلافی که باید به آنها پاسخ  
گفت.

اگر برای پاسخ به این سوال  
به تاریخ رجوع کنیم می‌بینیم که حکومتی  
ائتلافی ( محصول ائتلاف سازمان‌ها و  
نابندگان زحمتکشان و نابندگان  
سرمایه‌داران ) هیچ گاه نتواند بنیادی  
با حکومت‌های سرمایه‌داری نداشته‌اند.  
عقده آنها همواره باز دارند. حرکت  
زحمتکشان و ضد مردمی بوده است.  
نابندگان و احزاب سرمایه‌داری ( که  
در جامعه سرمایه‌داری قدرت اساسا  
در دست آنهاست ) همواره چنین  
حکومت‌هایی را به این دلیل تشکیل  
دادند که خود گامی از اختیار اقتصاد  
و سیم شده بودند و برای کسب  
حیثیت و اعتباری برای حکومت خود برخی  
از نابندگان کارگران را نیز در آن شرکت  
دادند ( در اغلب موارد صحیح تر  
ایست که بگویم بدخل آن کشاندند ).  
چنین حکومت‌هایی همواره چیزی جز آلت  
دست بیوزاری نبودند. ولی چرا؟  
ظ. آن را قبل از هر چیز باید  
در وظایف شرعی یک حکومت واقعا انقلابی  
که برانده مسئله را واقعا به طریقی

مشکلات اخیر در راه انتخاب نخست  
وزیر و تشکیل کابینه بار دیگر مسئله  
حکومت را یکی از مسائل داغ مورد بحث  
فرد ساخته است. و بار دیگر این مسئله  
 مطرح شده است که بالاخره چه حکومتی  
می‌تواند ما از ورطه بحران بیوزاری  
آورد؟ کدام حکومت می‌تواند پاسخگو  
مسائل زحمتکشان باشد؟  
هیات حاکم کنونی، عجز کامل  
خود را در تشکیل چنین حکومتی ایتلاف  
کرده است. روحانیت شیعه و شرکا که  
با خفه کردن هر حلقی دمکراتیک زحمتکشان  
با برزاند پوهای غیر دمکراتیک، با افساد  
نفوذ در انتخابات، و انحطاط پلیسی  
ویژه خویش، قدرت را از دست زحمتکشان  
برپوش کشیده و در دست‌شان خود منترک کرده  
اینکه عجز کامل خود را در افساده  
از این قدرت به سود زحمتکشان و کسلی  
جامعه به نمایش گذاشته است. گوی  
که این قدرت کور فقط می‌تواند در جهت  
حیلات همه جانبه به حقوق زحمتکشان  
خود را نشان دهد. حکومت‌ها  
کابینه‌های انتصابی حضرات یکدیگر  
و رنگی بیوسوی خود را آشکار کردند  
اکنون کار بجای رسیده که تشکیل چنین  
همان حکومت‌های ورشکسته نیز برای آنها  
دستوار است.

در مقابل این ورشکستگی سردرگمی  
هیات حاکم، نیروهای انقلابی موفقتند  
برنامه روشن برای تشکیل یک حکومت واقعا  
انقلابی به زحمتکشان ارائه دهند. و به  
آنها نشان دهند کدام حکومت واقعا  
قادر به اقدامات اساسی در جهت  
منافع زحمتکشان و کل جامعه است. کدام  
حکومت قادر به مبارزه واقعی با گرانسی،  
بیگاری، فقر... است. کدام حکومت  
قادر به مبارزه واقعی با امپریالیسم است  
جنبشی کارگران سلطان ( بخش  
کارگری جنبش ملی مجاهدین خلق  
ایران ) یکی از نیروهایی است که مواضع  
خود را در این مورد بیان کرده است.  
بنظر آنها آنچه در حال حاضر ضروری  
است ایجاد یک حکومت ائتلافی است.  
" بنا بر این در شرایط کنونی شرکت  
چنان‌های مختلف در دولت شاید نتواند  
لا اقل به یک نظام و همکاری نزد یک نفر  
منجر شود. در اینجا باید روی نابندگان  
و حامیان واقعی کارگران و زحمتکشان در  
... کیم. زیرا آنچه تاکنون  
از طرف مسئولین وزارت کار و شیوزاری  
انقلاب و دولتمتاسع و به اجسرا

# صدور انقلاب اسلامی یا صدور ضد انقلاب سرمایه داری

رئیسان رژیم جمهوری اسلامی هر از چند گاه سخن از "صدور انقلاب" می‌کنند. مثلاً به هنگام اشنال دانشگاهها و "انقلاب فرهنگی"، حمله به کارشناسان و زنان و "انقلاب اداری"، "روز قدس" و مواقعی از این قبیل. روحانیات حاکم به ناگهان یاد جهان می‌کنند و با یقین و کزبای فرزان در باره "غیورت" صدور انقلاب اسلامی "تبلیغ می‌کنند".

اولین پرسشی که به ذهن می‌آید اینست که مگر انقلاب نیز می‌تواند مانند سایر انقلابات با وارداتی باشد گنجه صحبت از "صدور" آن می‌کنند؟ فقط فکر طبل‌بجاری به ناچار بازاری می‌گنجد است ساله را این طور مطرح کند. و به انقلاب به عنوان یک کالا نگاه کند گنجه قابل خرید و فروش و معامله است. و هر وقت نرخ سود در بازار بالا بود آنسرا صادر یا وارد کند و با مورد معامله قرار بدهد. فقط ترکیب نیست و برداشت گنجه با ملاحظه یک سرمایه دار است که می‌تواند ساله را به این صورت طرح کند.

انقلاب نه صادر است و نه وارداتی. انقلاب عبارتست از ورود نیرومند و دخالته زینده، توده‌ها در مسیر حوادث تاریخی جهت در دست گرفتن سرنوشت خویش و به منظور درگرسون کردن بنیادهای روابط اجتماعی که سرمایه‌داری امروزه تا هنگامی که رسیده است بدین ترین، آگاه ترین و متشکل ترین بخش توده، یعنی طبقه کارگر، قدسدم به مبارزه سیاسی اجتماعی جهت دست درگوش کردن جامعه نگذارد. انقلابی رخ نخواهد داد. انقلاب را توده‌ها سکن می‌کنند. توده آگاه و متشکل گنجه جهت رفع مسائل و مشکلات جامعه و بهبود زندگی غیر انسانی و فلاکتناز انقلاب "انقلاب" خواهری نیست و منظورشان است. بنابراین انقلاب متعلق به توده‌ها شده است و نه متعلق به سردمداران حکومت سرمایه داری.

اما بیایید یک لحظه فرض کنیم که فرض سخنگویان و ایدئولوگهای رژیم جمهوری اسلامی، یعنی سردمداران جدید حکومت سرمایه‌داری از "صدور انقلاب" خواهری نیست و منظورشان اینست که به انقلاب در دیگر نقاط جهان از طریق مبارزه طبقه امپریالیزم جهانی، جنب همبستگی بین المللی از طریق بنیاد انقلاب در داخل و به پیش گذاشتن سبب بد مل و نمونه به زمینستان جهان و کمک مادی و معنوی باری بکنند. و اگر چنین نیست. روشن کنیم که چیست.

مبارزه طبقه امپریالیزم جهانی و رهبر سیاسی، نظامی آن امپریالیزم آمریکا و شکست دادن وی در اینچا و آنچا و قدم میم و تعیین کنده مای در راه گنجه به کارگران و زمینستان جهت مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت خواهره بود. رژیم جمهوری اسلامی در این جنبه مبارزه چه کرده است؟

طبق ماندگی و وابستگی زاینده، مناسبات موجود با بازار جهانی سرمایه به داری و امپریالیستهاست. اقتصاد ایران بر اساس نیازها و منافع بازار جهانی است. امپریالیست و خصوصاً انحصارات بحول به بیکر بین المللی سازمان یافته است و نه بر اساس نیازهای توده‌های زمینستان. امپریالیزم از این نظر فقط کارگران و زمینستان را استثمار کرده و طبق ماندگی و وابستگی را تشدید نموده است. برای حفظ این مناسبات، قرار داد های نظامی و سیاسی جهت سرکوب زمینستان منعقد نموده است. اما دولت که می‌بایست با نفوذ کلمه فراراده‌ها، نظامی، سیاسی و اقتصادی بسا دولت امپریالیست و اقتضای محتوای اسامرات با این فراراده‌ها در مقابل انحصار جهانیان، خانه پانته دوران سلطه امپریالیزم بر طبل شده است. جیبسان را نشانه بزند. برعکس از لغو و اقتصادی آنها خود داری نموده است. و در عوض اشنال جاسوسخانه و گروگانگیری را به عنوان تنها مبارزه ضد امپریالیست واقعی و ناب معرفی کرده است.

هیات حاکم با رسته "فلسفه امپریالیست" و احوال و سیاستهای ضد انقلابی از یکسو جلوی رشد مبارزات ضد امپریالیست واقعی را در کارگران و زمینستان را گرفته و از سوی دیگر با استفاده از انرژی توده‌ها در جهت منافع خویش، بخش عظیمی از زمینستان را از مبارزه دسترس کرده است. هیات حاکم به رد پلانته ترین و فریبکارانه ترین وجهی مبارزات ضد امپریالیست توده‌ها را به مجرای انحرافی سوق داد. و بدین ترتیب سخت ترین ضربات را به جنبش های انقلابی در سطح منطقه و جهان وارد نمود. و اینک درجه از "صدور انقلاب" می‌کنند.

امپریالیزم آمریکا که از زمینستان داخل و قهرمان و پشام شکست متضامنا ی خیره خورده، در برابر انظار جهانیان بی‌سپرو گردید. جنایت‌های اشنال شده و کارگران و زمینستان آمریکا به ماهیت دخالتهای تجاوزکارانه و اشنالگرانه دولت بیشتر واقف شده اند و طبقه کارگر گنجه

تشکیلات و تصحیر در مقابل حسلات بورژوازی حفظ کرده اند. معبد اهنوز طبقه زیر سلطه است. استثمار می‌شده و سرکوب می‌شوند. اگر اکنون طبقه‌های عالیه قدر تراز پریش را تبلیغ می‌کنند، سرمایه داری آلمان در لباس فاشیسم بیگانه تر و وحشیانه تر از رژیم و حزب جمهوری اسلامی آنرا انجام داد و چند میلیون یهودی را در گورهای آدم حوری زنده زنده سوزاند. و تمام اینها را با بیخ های توده‌های گامبلا ارتجاعی انجام می‌دادند. با اوباش خود به مبارزه طس حمله می‌کردند. جشن کتابسوزان برای ساند اشنال شده است. گنجه ها. مبارزهها و مبارزین کارگری را به مسلسل می‌بندند.

مذ هب عموماً وسیله‌ای در دست سرمایه داران جهت تحقیر و استثمار کارگران و ایجاد نفرت بوده است. سنده یکا های مسیحی را که از بازار فلسطیه سرمایه داران و ایجاد نفرت در یون طبقه کارگرند. از مدتها پیش احزاب و مجالس مسیحی ارتجاعی به مرحله اصل در آورده اند. یعنی مدتها قبل از اینکه حضرات یاد تشکیل انجمن های اسلامی فرمایش برای ایجاد نفرت گنجه در میان کارگران بکنند. سالها و سالهاست که دول امپریالیست به هند سده پاپ‌ها، اسقف‌ها و کشیه‌ها کشیده اند تا مشاجرات مذهبی را در میان کارگران و زمینستان دامن بزنند تا نیروج آنان را از مسائل سیاسی و اجتماعی منحرف کنند. پاپ این قبسه و لی‌استر مسیحی، از تبلیغ این موضع در بیخ نکره است که باید محبت را به تمام جهان گسترش داد. که باید زمینستان از سرمایه داران مسیحی و دولت‌های امپریالیست مسیحی اطاعت کنند. اما آنچه که از تحقیر کامل بر ماها و خوا به شپای پاپ‌ها، اسقف‌ها، کشیه‌ها، سرمایه داران، زمینداران بانکداران جلوگیری می‌کنند. مبارزه متحد کارگران بعنوان نیروی انقلاب است.

بنابراین رهنمود های حضرات که در زیر لوی "صدور انقلاب" عنوان می‌گردد، در واقع صدور دستور العمل ضد انقلابی است و چیزی بیش از آن نیست. در پشت گنجات و جعلیات پراب و کتاب به ظاهر انقلابی صنعتی از ضد انقلابی ترین احکام و افعال نتیجه است. جالب است که بیبنیم هیات حاکم هر چند توان خود چگونه دست به گسار "صدور انقلاب" شده است. تا طبقه م و بزنامه نقیای عالیه در روحانیت در رابطه با "صدور انقلاب" بطور دقیقتر روشن بشود. هیات حاکم و خصوصاً روحانیت حاکم که در دام رژیم ریز در فضا عاز ملت مستضعف عرب، نطقه سرمایه می‌کنند و فروم صدور انقلاب را تا گنجه طبقه در فاصله ۱۵

# رابطه بین سیاست تضییقات اقتصادی و اسلام مکتبی

آیت الله خمینی در یکی از سخن رانی های اخیر خود گفتند که "مسئوم ایران دنبال اقتصاد نیستند - اینها در پی اسلام هستند" - و این اولین بار نبود که سخنانی بدین مضمون از دهان دولتمردان جمهوری اسلامی شنیده می شد - خود آیت الله خمینی قبلا بارها گفته بود که مثلا "مردم برای اقتصاد انقلاب نگردند ، برای اسلام انقلاب کردند" ، "مردم برای قیمت مرغ سرزده انقلاب نگردند ، برای اسلام انقلاب کردند"

تعدادی از کارگران ( اخراج و ایجاد بیکاری ) و بالا بردن ساعات کار و افزایش دست کار؛ تا ثبات افزایش دادن سود تولید از طریق افزایش قیمت - و ایجاد تورم ؛ تا ثبات کم کردن مخارج سرمایه داران از طریق کاهش دادن مالیات های آنان و جبران کمبود آن از طریق افزایش مالیات غیر مستقیم ، مالیات بر درآمد ، انتشار کم درآمد و غیره ؛ و ایضا کم کردن مخارج دولتی ( بودجه فرهنگی ، بودجه بیه های اجتماعی کارگران و بطور کلی هزینه های خدمات اجتماعی مربوط به نظامت ، بهداشت ، مسکن و غیره ) و اختصاص دادن بخش های از بودجه دولت ( یعنی مالیات مزد و حقوق کارگران ) برای کمک به سرمایه داران در حال ورشکستگی ، چگونه این سیاست ها را سیاست تضییقات می نامند ، بطور کلی کم کردن قدرت مصرفی ( فردی و اجتماعی ) زحمتکاران و اختصاص دادن آنچه از آن عاید می شود به نجات سرمایه داری ورشکسته .

مقصود از در مقابل هم قرار دادن اقتصاد و اسلام چیست؟ چرا مدام یکس در مقابل دیگری قرار میگیرد؟ ارتباط این دو مطلوب ظاهرا بی ربط را باید در بزرگاری های حکایت سرمایه جستجو کرد . آنچه مسلم است این است که در سلطنت اموز اگر اسلام هزار و یک معنی داشته باشد یکی از آنها شخصی کشیدن برای زحمتکاران است - در حالی که پس از قیام میانه ماه بعد از سرمایه داران در همیا بلکه صد ها برابر بیشتر ثروت و سرمایه خود افزودند - زحمتکاران از ابتدای ترین سطح زندگی عادی محروم شده اند ، برای توده های وسیع مردم زحمتکار جامعه زندگی به یک نان خشک و خالی محدود شده است ، و این کم کم دارد بصورت یک "وظیفه شرعی" در می آید ، ایضا نفع مصرفی مدمنان که "سما" که برای شکر انقلاب نگردید " و این وظیفه شرعی البته زمینه را برای یائین بردن سطح زندگی دستمزده کارگران فراهم می کند - زیرا! و تنش قرار شد زندگی کارگران به یک نان خشک و خالی محدود باشد ، دیگر زندگی آنها خارج از مدار که احتیاجی به دستمزده بالا داشته باشند - می بینیم که نفع این "وظیفه شرعی" مستقیما بصورت قطع سود ویژه و غیره توده الله ، به جیب سرمایه داران سرازیر می گردد .

و این یک واقعیت است که محدود شدن زندگی زحمتکاران به یک نان خشک و خالی در شرایط بحران اقتصادی منافع زیادی برای سرمایه داران و عوام بسیاری برای جامعه در بر دارد - در تمام کشورهای سرمایه داری ، در شرایط بحران دولت ها سعی میکنند با پیاده کردن سیاست های معینسی چنین شرایط بوجود آورند - فرق ما با سایر کشورها در این است که در کشورهای دیگر با افزایش قیمت ، طلب طلبی ، مخارج بهداشتی ، مسکن های دولتی ، فرهنگ ، دانشگاهها و غیره ، و گسترش این خدمات می رسند -

این خدمات در چند سال گذشته ( بیش از هفتاد سال ) نه تنها گسترش نیافته اند بلکه به اندازه قابل توجهی کاهش پیدا کرده اند ، می بینیم که سیاست های این دولت امین الیستسی تا چه اندازه با سیاست های "مکتبی" رژیم فعلی مشابه است .

ولی همانطور که گفتیم فرق سیاست تضییقات دولت های دیگر و دولت جمهوری اسلامی اینست که لاقلا این دولت سعی نمی کند این فشارهای ظالمانه بر طبقات محروم را تحت عنوان یکسکده بهیبت الهی در حلقوم مردم فرو کند بلکه صاف و پوست کنده می گویند "اقتصاد بحران است باید کمربند ها را سفت کرد" ولی دولت جمهوری اسلامی که مردم را خیلی ساده لوح فرض کرده و از ریشه پی ریاضت کشی وارد می شود - اول می گویند مشروب حرام است ، بعد در پی حرام است ، بعد بعد سینما حرام است ، بعد موسیقی تریاک است ، بعد تفریح غیر اسلامی است ، بعد دانشگاه طاغوتی است تعطیل ، بعد هم که اصلا اقتصاد مسم نیست و "ایستادن حیواناتند که فقط در فکر شکم هستند زبیر بناشان اقتصاد است" و همراه با این فتوای های در پی عیدی کارگران می رود ، سود ویژه قطع می شود ، سوسپها بیکاری یوز به یوز افزایش می یابد ، مالیات ها زیاد می شود ، پرداخت های بیمه به کارگران کم می شود و غیره و غیره " و به راستی اگر هر نوع مصرفی اضافه بر نان خشک و خالی ( آتمم اگر گیر نباید ) حرام است ، دیگر کارگر سود ویژه می خواهد چه کند ؟ ولی سیاست تضییقات ( مخصوصا نوع "مکتبی" اسلامی ) عوارض وخیمسی

## هنگام وقت انقلابی

حاضرند در شرایط بحران یعنی در شرایطی که سرمایه داری در ورطه سقوط است ، زیر پای آنها بگردد و چند صاحب او را سرمایه دارند تا تجدید قوا کرده و تازه نفس دوباره به میدان بیاید نمایندگان واقعی و انقلابی زحمتکاران ، اگر بخواهند به آرزوهای زحمتکاران وفادار باشند باید فاطمانه از سرمایه داری و نمایندگان رنگارنگ آن بیزند ، در یک جبهه واحد با برنامهای ضد سرمایه داری با هم متحد شوند و خود را برای تشکیل حکومت آماده کنند ، حکومتی مستقل از سرمایه داری و بسویین حتی یک نماینده سرمایه دار - چنین

برای جامعه در پی دارد ، زیرا از یک سو بحران اقتصادی را عمیق تر می کند از سوی دیگر فقر و فلاکت گسترده ای را در جامعه حاکم می سازد - بحران های سرمایه داری اساسا عبارتند از بحرانهای سریز تولید - یعنی فروش گرفتن تولید از قدرت جذب بازار ، ولی سیاست تضییقات معنای قطعی گردن بیشتر بازار است که با چارزیمه تولید را محدود تر می کند - راه فراری که سرمایه دار این بن بست می یابد هیچم آوردن به تولید کالا های لوکس ( و در کشورهای امین الیستسی تولید اصلاحه است - چون تنها آنها هستند که بازارشان در اکثر بحران اساسا محدود نمی شود - و اگر چه از لحاظ کیفیت بازارشان بالا چشمتان بزرگ نیست ولی بعلا انعطاف پذی پسری قیمت ها ( قدرت خرید بالای مصرف کنندگان کالا های لوکس ) سود های زیاد ، بعد سینما حرام ، تریاک است ، بعد موسیقی تریاک است ، بعد تفریح غیر اسلامی است ، بعد دانشگاه طاغوتی است تعطیل ، بعد هم که اصلا اقتصاد مسم نیست و "ایستادن حیواناتند که فقط در فکر شکم هستند زبیر بناشان اقتصاد است" و همراه با این فتوای های در پی عیدی کارگران می رود ، سود ویژه قطع می شود ، سوسپها بیکاری یوز به یوز افزایش می یابد ، مالیات ها زیاد می شود ، پرداخت های بیمه به کارگران کم می شود و غیره و غیره " و به راستی اگر هر نوع مصرفی اضافه بر نان خشک و خالی ( آتمم اگر گیر نباید ) حرام است ، دیگر کارگر سود ویژه می خواهد چه کند ؟ ولی سیاست تضییقات ( مخصوصا نوع "مکتبی" اسلامی ) عوارض وخیمسی

حکومتی تنها می توانه بر سازمان های سرمایه داری کارگران و زحمتکاران ( شوراهای کارگری ، دهقانی و غیره ) متکی باشد - تنها سازمان های زنده و مسلح زحمتکاران می توانند قدرت اجرایی یک حکومت واقعاً انقلابی را فراهم آورند - تنها حکومتی که منتخب زحمتکاران باشد ، تماما از نمایندگان زحمتکاران تشکیل شده باشد ، تنها سازمان های زحمتکاران و دیوارس زحمتکاران وفادار باشند باید فاطمانه از سرمایه داری و نمایندگان رنگارنگ آن بیزند ، در یک جبهه واحد با برنامهای ضد سرمایه داری با هم متحد شوند و خود را برای تشکیل حکومت آماده کنند ، حکومتی مستقل از سرمایه داری و بسویین حتی یک نماینده سرمایه دار - چنین

**حاکمیت روحانیت خیر**  
**حاکمیت مردم آری**



# ریشه‌های بحران حکومتی

رحمه ناصر

بحران هیات حاکم در واقع مسئله تشکیل حکومت هنوز ادامه دارد - و هر روز ابعاد جدیدی پیدا میکند - آخرین اخبار تا کنون حاکی از این است که پس از بیست و دو روز کنگره مجلس شورای اسلامی در ریاست جمهوری بر سر مسئله تعیین کابینه گویا نتوجه‌ای حاصل نشد جز اینکه آقای بنی صدر به این نتیجه رسیدند که باید انشای نخست وزیر "سخت سر" می اطلاع را ادامه دهند، و بعد از چندیدی که به این اشتگاری ها افزودند مسئله "تفتیش نظایه" در وزارت فرهنگ بود - و گویا جناب رضائی و همکاران فشری شان در حزب جمهوری اسلامی هم عقاید اصلاح را در این دیدار داشته که بحث خود را به پوشش خود تا جلو برند - آقای رضائی بدون توافق قبلی ریاست جمهوری کابینه را به مجلس معرفی کردند است - البته خود آقای رضائلی - در سخنرانی دور و درازشان در تلویزیون وجود خود را تا نکت پذیر کردند و اسلام داشتند توافق ضمنی با رئیس جمهور موجود بود است - و برزویه انشایی را هم در دفتر نخست وزیر

تأیید کرده است - ولی فرایین و شواهد حاکی از چیز دیگریست - برزویه از هیات وزیری که کابینه به مجلس معرفی شود - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سپاه شده به الفتحی تحت عنوان "شوریه انشای بران" است - خط امام - در حلقه به رئیس جمهور انتشار داده که در روزنامه های جمهوری اسلامی - صبح آزادگان و اطلاعات چاپ رسیسد و از صدای جمهوری اسلامی نیز مطلقاً بخش شد - این سوال مطرح میشود گسسه کسانی که این برزویه را انتشار داده اند از کجا پیدا شدند رئیس جمهور بسا کابینه ای که فرار بود معرفی شود مخالف است - که عبور از آن مخالفت را - آن هم از پیشوند جنجالی و بر سر صد مطرح کردند - و "هل من مایزه را آوردند که باید مخالفین را چنین و چنان کرد؟ چرا مجلس بعد از آنکه کابینه بسا آن معرفی شد فرار بحث آن را به در روز بعد بگول میکند، آنهم اگر بعد از فراغت نامه رئیس جمهور صلاح دیده شد - و بعد شب بعد قرار میبندد آقایان رئیس جمهور نخست وزیر - و رئیس مجلس نشینند و دوباره مسئله را بررسی کنند؟

در هر صورت بنظر میرسد این مدار هم حزب جمهوری اسلامی به شیوه همیشگی خود یعنی حرف را در مقابل

اصل انجام شده قرار دادند - بقول خود شان آن برنامه هائی که باقی طرف هم نمیتواند تقویت کند (ا) شوسل شده - ولی حتی با این شیوه بیسز هنوز موفقش حاصل نگردد است - و حرف هنوز که هنوز است ادامه دارد - بگذریم از اینکه همین کابینه معرفی شده - در تقابله با آنچه در ابتدا بنظر میرسد مورد نظر آقای رضائی باشد - نویسی و تفتیشی در مقابل بنی صدر محسوب میشود -

در وهله اول بنظر میرسد علت بحران اختلاف نظر مابین رئیس جمهور و نخست وزیر (بعبارت بیشتر حزب جمهوری اسلامی) باشد - و البته این برکسی پوشده نیست که رئیس جمهور - و حزب جمهوری اسلامی دو برنامه متفاوت و مغایرت را برای تثبیت نظام سرپا بعد از دیال می کنند - برنامه سیاسی حزب جمهوری اسلامی (که تا کنون از حمایت کامل و بی دریغ آیت الله خمینی سر - خود را برده است) پیاده کردن شیوه - در اصل ولایت فقیه است - یعنی حاکمیت مطلق روحانیت بر تشکیلات دولتی از دیدگاه ایشان نه فقط عالترین نهاد تصمیم گیری - بلکه کلیه نهاد های اجرایی دولت باید تحت کنترل مستقیم روحانیت و ایسادی آن باشد - اینجسای می خواهند تضاد بین دولت مسدین برزوائی - و برزوائی دولتی وابسته سرپا بعد از بزرگ و امیرالایم بسا روحانیت شیعه را از این طریق حل کنند - در بحث بر این طرح بخش هایسی از برزوائی تجاری - برزوائی کوچک بازار و انتشار بالایی خود - برزوائی شش فراد دارد - یعنی تمامی آن بخشهایسی از برزوائی ایران که در دوران استبداد از قدرت دولتی (و در نتیجه منابع عده انباشت سرمایه) رانده شده بود - و در سود های شرشار سرمایه داران دور و بر در بار شریک نبود - برنامه اییها - که روحانیت را در طی دو دهه اخیر همچون نماینده سیاسی خود پذیرفته اند - این بود است که از طریق طرح سیاسی ولایت فقیه حرف خود (سرپا پاداران بزرگ صنعتی) را کاسلا از میدان به در کرده و تمامی منابع انباشت سرمایه را در دست خود بگیرند - برزویه سیاسی بنی صدر کاملاً بسا این مغایرت است - هدف او بازسازی یک دولت مدین برزوائی - تحت کنترل - بقول خودش - مدبران و متخصصین (در تمام سطوح اداری - فنی - صنعتی و غیره) - با استفاده از نفوذ روحانیت است - برنامه ای که با حاکمیت مطلق روحانیت کاملاً در تضاد است و طبیعتاً

آن اقتضای از برزوائی که از آن پشتیبانی میکنند نیز نمیتواند کاملاً با اقتضای روحانیت باشد - اختلاف نظر در مورد حکومت و کابینه نیز به همین اختلاف در برنامه و برزویه های سیاسی بر میگردد - ولی آنچه بحران را ایجاد کرده این اختلاف در برنامه ها و تضاد ناشی از آن بین رئیس جمهور و حزب نیست - در سابق نیز خیلی از مقامات و قدرتها با حزب در تضاد بودند ولی حزب - بسا قدرت و نفوذی که روحانیت در میان توده های میلیونی داشت از یکطرف و نفوذی که در میان سرمایه داران بازار داشت از طرف دیگر - به سادگسی مخالفین را کنار میزد و اختلافات را بنفع خود حل میکرد - ولی این بسا بنظر میرسد که ابتکار صورت گرفته است - و طبق کوشش ها و برنامه های بیاسی حزب (که برنامه مربوط به میانجی شده و فلافلاک های یکی از آنها بسا اشکالاتی بر سر راه آن وجود داشته باشد -

واقعیت اینست که حزب جمهوری اسلامی با آنکه در این مدتی که از قیام میگذرد توانسته است - به کمک با کمزرها - کوردهای فرهنگ و اداری و غیره - و گسترش نفوذ انجمن های اسلامی - تقریباً تمام مراکز قدرت دولتی را در اختیار خود بگیرد - ولی با وجود این در ضعف ترین موقعیت خود قرار دارد - بطوری که افرادی - مانند بنی صدر و لطف زاده که با آنها بنا افراد و عناصری برانگه هستند و اینشتیانی هیچ تشکیلاتی بر خوریدار نیستند نمیتوانند در مقابل آن مغرض اقدام کنند و به زیر آیمائی یا آن سرخریزد - علت این امر را باید در دو عامل جستجو کرد -

۱- حزب دیگر آن نفوذ و اعتبار سابق را در میان مردم ندارد - بسی برنامه ای و ناتوانی آن در مقابل بحران اقتصادی - اجتماعی کنونیست - و برکنگسی سیاست های فاجعه آمیز - برزوائی تا کنون (که تا نوری جز شده بود روز افزون بحران نداشته است) - و بسر ملا شدن تو خالی بودن تمام پیسده و وجه های آن رفته رفته زمینه بسز

توده های مستند به - از روحانیت را بوجود آورده است -

۱- حتی بخشهایی از عسوه برزوائی بازار (که با نگاه اساسی حزب است) - تکمیل به بیجاصل بودن سیاست های حزب جمهوری اسلامی می بیند - و به چشم خود می بینند که این سیاست ها نه فقط به مضر کردن مراکز انباشت سرمایه بلکه اقتصاد را فاجعه ای بسا فاجعه دیگر خواهد بود - و جز این نیز نمیتوانست باشد - زیرا برزوائی کوچک - در جامعه سرمایه داری راه حیل مستقل و مخصوص به خود ندارد - نظام سرمایه داری در کشور بی مثل ایران در تحلیل نهائی فقط به یک شکل استوار گسترش باید - همانطوری که کلا بسود - در هر صورت آنها نیز کم کم در مرکز قدرت در تمام درزها در دستان حزب جمهوری اسلامی بینداک میشوند -

مجموعه این دو عامل باعث تضعیف وضعیت حزب جمهوری اسلامی - در مقابل سایر گرایش های سیاسی گشته است - و یننه اصلی بحران حکومتی کنونی در اینجا است - ریشه بحران همین نیست که در راه حل مغایرت با هم زیور شده اند - ریشه بحران اینست که برنامه نیروهای سیاسی اصلی و غالب هیات حاکم بر تشکیلات خود را آشکارا گردانست - بعبارت دیگر این بحران جنبی از این است این برنامه های هیات حاکم را نشان میدهد -

۲- تنها رزگستان ایران هستند که قادر به شکست این بن بست خواهند بود - سیاست های هیات حاکم کشور را از بن بستش به بن بست دیگر - و فاجعه دیگر خواهد گشاند - در مقابل این سیاست های ورشکسته وقت آن رسیده است که کارگران ایران برنامه خود - یعنی استقرار حاکمیت رزگستان در طریق حرکت خود را - بسا رزگستان رزگستان - را مطرح کنند - زیر پرچم قدرت شوراها همه رزگستان را برای مبارزه ای نوین و انقلابی متحد کنند -

## تصحیح

☆ در شماره ۲۲ در صفحه بنسدی غلطه جیاده سازندگی با جیاده جاسوسی درگزردستان اششاهی رخ داده است که باید بدین ترتیب تصحیح شود -

☆ در شماره ۲۲ در صفحه ۱۱ غیرت دنیاله های دو مطلب وحدت نیسبه و دست چاقو و آید در خوابه میچکان آیتاده با یکدیگر عوض شده اند -

☆ بیانیه بین الملل چهارم



# مابادفاع از انقلاب کردستان از انقلاب ایران دفاع می کنیم!

بیانیه زبرد ۱۴ ژوئن توسط دفتر  
در بر خانه متحد بین الملل چهارم  
مادر گردیده

\*\*\*\*\*

از ۱۵ آوریل ، به فرمان شورای  
انقلاب اسلامی و آیت الله خمینی ،  
حکومت تهران به دوین تهاجم نظامی  
گسترده علیه انقلاب کردستان دست  
زده است .

تهاجم قبلی که در اوت ۱۹۷۹ آغاز  
شده بود ، با شکست سیاسی و نظامی  
نیروهای که تحت فرمان شورای انقلاب  
بودند ، خاتمه یافت . بدنیال این  
شکست ، آیت الله خمینی شخصاً از  
"برادران کرد" تقاضای "ظهور آن"  
کسانی که با حق به آنها افترا زده بودند  
را نمود . رژیم تهران میان آتش بس و  
آنها گره و مذاکره با نمایندگان مقاومت  
کردستان را آغاز نمود .

سازبان های مقاومت کرد خواستار  
تعویب قانونی بودند که به مناطق کردنشین  
در چارچوب جمهوری اسلامی ، خود مختاری  
بدهد . آنها خواستار خروج سیاه پاست  
اران و نیروهای ارتش فارس از کردستان  
بودند همچنین خواهان برگردانی  
اشغالگاه ها در کردستان برای گزینش  
ارگانی بودند که به رفق و خلق اسیر  
که در صلاحیتش است ، بپردازد .

برود قبول واقع شدن در مسرغ  
خود مختاری ، خرابکاری در مذاکرات ،  
و نقیبت نیروهای نظامی حکومت ( پاسداران )  
ارتشور پادشاهی منتهی به تهاجم نظامی جدید  
گردید .

وهیران کرد بارها موافقت خود  
را با اشغال سفارت آمریکا اسلام  
داشته اند . بارها ، حتی بعد از آنکه  
چنگه آغاز شد ، اعلام کردند از رژیم  
که از اقامت ۱۹۷۹ بر خاسته است ، علیه  
مداخله ایران لیست کرده علیه کوشش  
ارتجاعی به دفاع خواهند پرداخت .  
معهذا ، حکومت مرکزی تهران تنش های  
مزی که توسط حکومت ارتجاعی باعث  
فرای دامن زده شده است را دستاورد  
قرار داد تا اجرام گسترده نیروهای  
نظامی به کردستان را توجیه نماید و  
همچنین بذر تحریکات برای آغاز دوامین  
تهاجم را بیانشاند .

آیت الله منتظری و رئیس جمهور  
بنی صدر توضیح دادند که مبارزه تا  
"بیوزنی نیانی" ادامه خواهد داشت .  
تا زمانی که ارتش و پاسداران "عاشی

منطقه را با کساری کنند .  
سازبان های مقاومت کرد غیر قانونی  
اعلام شدند و از حق داشتن گاند پست  
در اشغالگاه محروم شدند . محاصره  
اقتصادی ، که شامل مواد غذایی و  
داریش هم می شود ، علیه کردستان  
اعمال شده است . تاسی این ننگساز  
عزیز نظر از مانورهای جزئی برای سوسوش  
نیادند . اهداف حکومت مرکزی تهران  
را نشان می دهند .

حالات نظامی اینکه علیه شهرهای  
چنین کردستان متحرک شده اند بقصد  
به کشته و مجروح شدن هزاران نفر منجر  
شده است . بعضی از شهرها نظیر  
سنندج و یانه توسط گلوله های توپخانه  
و حملات هوایی ایران شده اند . در زیان  
تصرف سنندج تعداد آوارگان سیاه  
ده ها هزار نفر می رسد .  
مجازای کردستان دو ساله مرکزی  
برای آینده انقلاب ایران را متنبسور  
می سازد .

اولاً ، تعمیر و راه پیکانیزه شده جنیش  
خلق کرد خود را بسمان اندازه در بیج  
توده ها و اشغال و تصرف زمین توسط  
دو هفتاد نشان می دهد که در مسلح  
شدن توده ها در سطح وسیع و طیسور  
انواع مختلف کشته ها ( خوراها و بنگه ها -  
کشته های محلی ) نیز چشم می خورد .  
ثانیاً ، مبارزات خلق کرد توانایی  
وهیری بیوزیا - ناسیونالیست خمینی -  
بنی صدر در بازسازی و تثبیت دولت  
بیوزیانی را مورد سوال قرار می دهد .  
بخاطر این دو دلیل ، حکومت

ایران سانه کردستان را سنگ محک توانایی  
خود برای اداره و حکمرانی بر تمام ایران  
قرار داد است . این نکته قبل از هر چیز  
به کارش ارتش و سیاه پاسداران همچنین  
حفظ "تأمین ارضی" در برابر خواست  
های خلق های تحت دست امالات ایران  
بستگی دارد .

تجربه جنگ اول در ماههای  
اکتبر و اوت ۱۹۷۹ از مخالفت بسیار شد پست  
خلق کرد نسبت به سیاست های حکومت  
فرار داد تا اجرام گسترده نیروهای  
موجب تثبیت هر چه بیشتر حمایت نظیم  
توده های از سازبان های سیاسی کسری  
شده اند . این امر خصیصاً در افزایش  
توان نظامی آنها برای مقاومت در برابر  
تهاجم مهم و طولانی اخیر به چشم  
می خورد . بنابراین ، چنین به نظر می رسد  
که جنبش ملی کرد پیشرفته ترین نقطه

عیدشان در دفاع از حکومت تهران در  
برابر خطر یک کودتای ارتجاعی و سیاه  
مداخله نظامی امپریالیزم ، شرکت  
می کنند .

لیکن یکی از بهترین وسایل دفاع  
از انقلاب ایران دفاعاً حمایت از انقلاب  
کردستان است . به رسمیت شناختن  
حقوق تمام ملیت های تحت دست در ایران  
برابر است با شکاف انداختن بین کارگران  
و توده های تحت دست در مبارزه علیه  
امپریالیزم .

عدم پشتیبانی حقوق دهقانان در رابطه  
با زمین ، عدم شناسایی حقوق خلق کرد  
در مسلح شدن و سازمان دادن مبارزات  
خودشان بطور مستقل منظور تقویت  
و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران  
هفتاد گام برداشتن در راه امپریالیزم و آن  
کسانی که چشم برای بازگشت رنگت نهانند ،  
می باشد .

با حمله به ملیت های که بسیاری  
برسمیت شناخته شدن حقوقشان بیج  
شده اند ، با حمله به دهقانان کس  
زمین ها را به تصرف خود درآورده اند ،  
با حمله به کارگران که سعی در پیش  
بردن خواسته هایشان دارند ، در حالی  
که در سطح اشغالگاه بین المللی  
هنوز در ایران حفظ می شود . با شنسی  
دانشگاه ها و یا حملات ضد علیه  
سازبان های چپ در ایران ، و سیاه  
خطر انداختن حقوق دگرگانی کس  
توده های ارضی بخاطر آن بهمهای  
نسبت سنگینی برداخته - وهسری  
خمینی / بنی صدر در خدمت ضد انقلاب  
امپریالیزم می باشد .

به این دلایل است که بین الملل  
چهارم بار دیگر همسنگی کامل خود را با  
مبارزات خلق کرد با صراحت اعلام می دارد .  
"خروج فوری با سازبان و ارتش از  
کردستان !

" برای تقویت فوری کلیه خواست های  
سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی جنبش کرد!  
" برای آزادی تمام کرد ها و بیسازبان  
مترقی دریند !  
" برای به رسمیت شناختن بدون قید  
و شرط و فوری حق تعیین سرنوشت از  
جمله حق جدایی خلق کرد و دگرگم  
ملیت های تحت دست در دولت ایران !  
" زنده باد انقلاب کردستان !  
" به حمایت از مبارزات انقلابی توده ها  
در ایران با همیگان !

# مسجد سلیمان کاگری در مبارزه علیه بیکاری!

پاور اسلاید پاری

توده میلیونی کارگران و جوانان بیکار ایران برای مبارزه علیه بیکاری همه روزهای رژیم جمهوری اسلامی را یکی پس از دیگری در آلیاب کرده اند. از دفتر امام گرفته تا دفتر رئیس جمهور و از وزارت کار و استانداری ها گرفته تا فرمانداری ها و شهرداری ها. همین چند روز پیش بود (۸ شهریور) که گروهی از کارگران بیکار تهران در مقابل ساختمان برزی و بوی مجلس سنای سابق و مقر مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند تا ذهن نمایندگان جمهوری اسلامی را از بیخه گوی، پیاره سراسر و دروغ پر آری های منت ترجمه یک آنگ بیکاری بنمایند. البته خواست بحق آنان همچنان بدون جواب مانده است. در همین رابطه تجربه مسجد سلیمان برای چندین بار تایت کرده است

هیأت حاکم سربا به آری قادر و حاضر به حل مشکل بیکاری نیست. از تخصص ۲ هزار دیپلمه بیکار این شهردار ساختمان فرمانداری نزدیک به یکسال میگذرد. بدون اینکه هیأت حاکم به اقدام جسدی تاستان اسامیل نیز ۱۲۰۰ نفر از کارکنان شهرداری و ۱۸۰۰ نفر کارگر برسیزیون از کار بیکار شده اند. و باین ترتیب هیأت حاکم جمهوری اسلامی اقتضای وسیع تری از اشتغال شدگان و سندهندگان بیکاری ندیده است تا از این طیفش بجزان سربا به آری برکنشته اسپران را بجهت فقر زدگی و گرسنگی توده های کارگر انشایم بخشد. شهری که اولیسن لنگران خاورمیانه را در دامن خود پیوراند و از زیره مراکز کارگران متعشس ایران محسوب می شد، آنگسبون در

بزرگ جمهوری اسلامی سربا به آران به شهر کارگران بیکار مبدل شده است. همین امر باعث شد مملکتی از آرمون های سربا به آران و جدال های اساس مبارزه علیه بیکاری در این شهر صورت بگیرد. بر واضح است که این گره گسوری را که هیأت حاکم به سرنوشته توده های مسجد سلیمان و سراسر ایران زده است فقط با دست های توانای کارگران و بسیا گت پشتیبانی دیگر سنده بندگان باز شدنی است. در این راه ایجاد شورای کارگران شهر مسجد سلیمان متشکل از نمایندگان منتخب کارگران واحد های تولیدی کارگران اخراجی کارکنان ادارات و دیپلمه های بیکار هم تنیم فردی است که می توانسد شهر را از این جن ست و سردرگسی سیاسی به زور در این شورای متعده کارگران شهر می تواند همچون گانسیون بر قدرش نگه مبارزات کارگران و زحمتکشان شهر را متشکل و متحرک نماید و همه آنها را برای مبارزه علیه بیکاری، گران، فقر زدگی، ناامواری اجتماعی و ستم سیاسی شبر، جوانان و تنیده ستان شبرسری برای بشیره مبارزه خود می توانسد و پایه به چنین شورشایی نگه نمایند. از طریق

چنین تشکلی است که گردان های مختلف طبقه کارگر متحد خواهند شد و زمینه برای اتحاد بین شهر و روستا، بین کارگران و روستائیان فراهم میگردد. سربازان نیز رهبری سیاسی خود را در چنین شورشایی خواهند یافت. مبارزاتی که کارگران شهرداری و کارگران برسیزیون آغاز کرده اند و تسزیم و برقیقت این مبارزه حقانی اچباب میگسد که اتحاد توری این دو گردان مبارز کارگران برقرار گردد. این امر از طریق تشکیل شورای هیاتهای مبارزات کارگران شهرداری و برسیزیون امکان پذیر است. این شورای هذاهنگی در صورت ایجاد می تواند راه را برای پیش آید و تشکیل شورای کارگران شهر مسجد سلیمان فراهم نماید. در واقع شورای هیاتهای مبارزه و مبارزات کارگران شهرداری و برسیزیون می تواند به هسته اولیسه شورای کارگران شهر مسجد سلیمان مبدل گردد و همگین اشاعه، تبلیغ و ترویج این ضرورت در بین گردان های مبارزات جوی کارگران و طبقه ای است که به روش انقلابی و کارگران مبارز نهاده شده است



## چرا دادستان...

امام جمعه آبادان واقع شد و در محرقه روز بعد بنا به دستور حاکم شرع آبادان دادبار دادسری انقلاب. با سرزمه های ۲۰۰ پاسدار اسلام برانگه گردید و خودشان نیز با چوب و چدانی و قسه و زنجیر اویاش سازمان یافته حزب انیس که وابسته به روحانیت حاکم هستند. مورد غتم قرار گرفتند. از طرف دیگر جای تعجب، دستگیری و محاکمه عاملین فاجعه، بنا به اظهارات دادستان قمی، عدای از عاملین و سببین فاجعه که دستگیر و زندانی شده بودند و با مساحت گنیه آبادان آزاد شدند و گریختند. ۱ نقل از کیهان ۱۸/۵/۵۹، ۱۰

سلسلا در این مورد بول های کلاسی بعنوان رشوه بین عاملین فاجعه و ستولین "سلمان و متعده" جمهوری اسلامی رد و بدل شده است. البته مسئله نمی تواند در سطح اختلاس مالی و رشوه مدبر گردد و با پیشی دلایل اساسی دیگری برای این سیاست های هیأت حاکم وجود داشته است. ۱۱

چه انگیزه ای در پس ۱۱ است تاخیر در امر تشکیل دادگاه و در سرگوب برمهانه مبارزات و تحقیقات بازماندهگان سینا رکی وجود داشته است؟ خانواد و های قربانیان سینا رکی طی تحقیقات و بررس های مستقلی که خود بعمل آوردند، مرقف شده اند تا برتیشای به زبانی تاریک و گنجه های پیچیده در ایهام فاجعه بکنند. بطوری که برده اسرار به کنار زده شود چیسره عدای از ایادی حکومت "قطر و عدل

اسلام" بعنوان ترکیب جسم در آدم سوزی سینا رکی میان شده است. آنها به این نتیجه رسیده اند که حسین کتک علی زاده، بهرام و دستانش در جلسات هفتگی بنام جلسات روحانیون که در مسجد آریگان تشکیل می شد شرکت می کرده است و در آنجا برنامه ها و خطباتی که می بایست پیاده شود مورد بررس قرار گرفت. و یکی از طرفداران و گردانندگان برنامه های مزبور همین حجت الاسلام جیس امام جمعه قمی آبادان بوده است. خود کتک علی زاده، "منهم ره یف اول" چونده در فاعیسات خود به فضیلتش در یک گروه اسلامی اعتراف نموده است و این واقعیت را که گروه مزبور در جلسات مسجد آریگان شرکت می نموده و با پند گویه اسلامی افغان ارتباط داشته اذعان کرده است. بر اساس تحقیقات بازماندهگان سینا رکی "منهم ره یف اول" پس از فرار از زندان ملاقات های متکرری با افرادی نظیر آید الله طاهری در افغان داشتند و با آقای رشیدیان نمایندنده مجلس خیرگان و نماینده فعی مجلس شوری اسلام از آبادان و با آقای کیساروش (فرماندار سابق آبادان، رئیس گسل سابق آموزش و پرورش خوزستان و نماینده مجلس خیرگان و نماینده فعی و متشی جیس رقیه مجلس شورای اسلامی) ملاقات محرماتی بعمل آورده است. چرا کتک علی زاده پس از فرار از زندان به ملاقات ملاقات جمهوری اسلامی رفته است؟ آیا نمیخواهتد که امر سرسوش گذاشتن بوی واقعیت فاجعه از آنها ساری بگیرد؟ آیا این ملاقات های بعد از

فاجعه دنباله بلاقت ها و هفتگری های قبل از فاجعه نموده است؟ اگر جواب به این سئوالات منفی است پس چرا آقایان طاهری رشیدیان و کیساروش نکات مورد مذکره با "منهم ره یف اول" رفاش ننموده اند؟ علاوه چرا شخص مزبور را که یکی از قربانان آدم سوزی است پس از فرازش از زندان دستگیر و تحویل مقامات قضایی ندادند؟ چرا حجت الاسلام بازرگان است نسبت به تحقیقات بازماندهگان تا این حد وحشت داشته که در سلسار جمعه آنان را "افلال گر" معرفی نموده است؟ چرا دادسری انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر در آستانه تشکیل دادگاه ویژه سینا رکی فعالیتت سازمان ها و احزاب تشری را سئو اعلام کرد؟ سلسلا جنوگری از فعالیت این سازمان ها نمی تواند بی ارتباط با فاجعه سینا رکی باشد. و اما چرا هیات جنوگری از اقتضای حقایق مربوط به فاجعه سینا رکی بی خبر است؟ چرا برای بررس محاکمات و نحوه گسار دادگاه ها به خوزستان اعزام شد و در آن موقع بازماندهگان قربانیان سینا رکیس همچنان در حال تخمین برس می بودند در این باره هیچگونه اقدامی ننمود؟ چیسرا رفتی حجت الاسلام حسین خمینی نسوه امام در اواسط خرداد ماه به اهواز سفر نمود از حال بازماندهگان در حال تخمین سینا رکیس پرس و جو نکرد؟ آیا عد مای اسپره های حکومت عدل اسلامی در فاجعه آدم سوزی سینا رکی نیاسن و همد شی ننمودند؟ تحقیقات بازماندهگان فاجعه، و فعالیتات "منهم

ره یف اول" و گران شهرا با وحشت دادستان دادگاه ویژه سینا رکیس رموز آینه و "عاقبت" دادگاه چنین حقیقتی را نشان می دهد!

هیأت حاکم به عین بعضی میگسد تا حسین کتک طرا زاده، یکی از قربانیان طرح آدم سوزی سینا رکی را به عنوان "عامل اصلی" به کارگران و زحمتکشان ایران معرفی می نماید. در حالی که ۲۲ نفر ۲۲۰۰ نفر رسیده است که به نسبت ۲۲ نفر تخمین فعی اسامی نگیه گسانی که در این مورد اختلاس نمودند و رشوه گرفتند اضافه شود. پایه نظریان به بازماندهگان قربانیان سینا رکی، یعنی حجت الاسلام هادی نظاری، آید الله آذری نس برای محاکمه و مجازات به دادگاه احضار شوند. پایه کتک طاهری که به تخمین بازماندهگان فاجعه مسطور شده اند یعنی حاکم شرع، دادیسار دادسرای انقلاب، فرمانده سیاه پاسداران آبادان و رهبری آیاش عزیز انیس دستگیر و به پای میز محاکمه کشاند. شرنده و مهم تر از همه عدل انتلاسی اچباب می کند که کسانی که به طریق سار کتک طرا زاده و گروه ایشان چه بول از فاجعه و چه بعد از آن در تماس بودند یعنی حجت الاسلام جیس، امام جمعه و آید الله طاهری از اصفهان اسلامی تورا دستگیر و به اتهام همد شی جمهور برای بررس محاکمات و نحوه گسار دادگاه های خوزستان و شخص تخمین قیه در صفحه ۹



# در دفاع از کارگران تراکتورسازی تبریز

احمد کاون

اگر مرداد ۵۸ - ماه حمله به خود مختاری در کردستان و دگرگونی در ایران بود - مرداد ۵۹ با پستی ماه یورش همه جانبه هیات حاکم به حقوق و تشکلات کارگران سراسر ایران به حساب آورد - در این ایام - هیات حاکم سرپایه داری با لغو خود ویژه نسبی قضی از دستزد کارگران دستبرد زد - ساعات کار را از ۲۰ به ۲۴ ساعت افزایش داد و با تصویب "لاجه قانونی" تشکیل شوهرای زمینی "قانونی" را پسرای حمله به شوهرای مبارز کارگران فراهم نمود - و برای آماده شدن بیزوه فسد کارگری خود به جنگ گردان های فسد کارگران رفت - در جنوب کشور دستور انحلال شوهرای مرکزی کارگران صنعت نفت را صادر کرد - در استان مرکزی کانون شوهرای کارگری خورش پهران را به تصرف او باش سازمان یافته حزب الهی خود درآورد و در شمال غربی ایران کارگران قهرمان کارخانه تراکتور سازی تبریز را به مصاف طلبید .

اواسط مرداد آفادی و عوامل هیات حاکم با صدور بخشنامه ای از کارگران تراکتورسازی تبریز می خواهند که شوهرای منتخب خود را منحل نمایند - بجای ۲۰ ساعت بنمید ۲۲ ساعت کار کنند و از صرف یک پند فذای گرم در کارخانه صرف نظر نمایند - کارگران در ریز دوشنه ۲۰ مرداد در محوطه کارخانه تجمع نمود و لغو کلیه فساد بخشنامه مزبور را یک جا طلب می کنند - مقامات دولتی تماس خواسته های حقوق کارگران آن رس پذیرند و متعاقب آن حیات بعدی خود را ندارند می بینند - باین ترتیب که ریز کتنبه ۲۶ مرداد - "هیات پاکسازی" منصوب دولت ۳ تن از اعضای مبارز شوهرای کارگران بنسبه هیواد با ۵ نفر از عناصر سارواکی شافسل در کارخانه را "پاکسازی" و اخراج می کند این که هیات حاکم قریب بیست ماه بعد از قیام بنمن میادرت به اخراج ۵ نفر از سارواکی های کارخانه می نماید - نشان می دهد که دولت جمهوری اسلامی مطالب پاکسازی واقعی عناصر ریاسته به سارواک نیستند و از پاکسازی ۵ نفر مزبور بعنوان یورش برای اخراج ۳ کارگر مبارز استفاده نمودند - به عبارت

دیگر اگر مسئله اخراج کارگران مبارز و انقلابی مطرح نبوده دولت سرپایه داری کنونی از پاکسازی عناصر سارواکی نیست صرف نظر می نمود - همانطور که تا کنون چنین کرده است - چنین دولتی قساد و مایل به اجرای انقلابی پاکسازی ادارات و کارخانجات از عوامل سارواکی - سرسپردگان رژیم گذشته - فاسدین مالی و عناصر ضد کارگر نیست - رقت هیات حاکم در سطح کشور به بازسازی سارواک تحت نام جدید "سارواک" می پردازد و تسامح بیونده جنایات - دزدی ها و فارتگری ها آنان را در محلی امن و امان بنسجام مرکز اسناد ملی نگهداری می کند بدون آنکه به کارگران و زحمتکشان اجاره دسترس به آن بیونده ها و اسناد داده شود - حالا چگونه همین رژیم با آن چنان سابقه ضد انقلابی می خواهد در رهبت "هیات پاکسازی" از بسا لا تعیین شده خود به تصفیه عناصر سارواک در کارخانه تراکتورسازی تبریز بپردازد - بچهره نشان داده که وظیفه پاکسازی ضد انقلاب به دوش کارگران افتاد است - و کارگران هم بخاطر خصلت دگرانیک و مردم سالاری که در ذات فعالیت های دستجمعی شان وجود دارد - این کار را از طریق هیاتی که منتخب خودشان و تحت کنترل مستقیم شوهرای خودشان است و نه هیاتی که از بالا انتخاب گردیده و از اخراج از کارخانه وارد شده است - انجام می دهند - بخصوص کتنبه ۲۲ کس بهتر از کارگران به کم و کیف کارخانه واقف نیست - بجای هیات های پاکسازی دولت بایشن هیات های پاکسازی منتخب کارگران و تحت کنترل شوهرای کارگری وجود آید - دولت بایشن کلیه اساسی سارواکی ها را منتشر نماید - درهای مرکز اسناد ملی نیز بایشن بروی کارگران و زحمتکشان باز گردند و شوهرای کارگری حق بورس کلیه بیونده های پرسنلی و اسراروالی کارخانجات را داشته باشند - اما در حالی که کارگران مبارز تراکتورسازی تبریز دقیقاً در چنین سیرگی گام نیاده اند - عوامل آفادی دولت سرپایه داری راه دیگری را انتخاب کرده اند - در همین رابطه سرپرست

هیات پاکسازی آذربایجان و زنجیان طی سخنرانی خود در کارخانه جمعی میگرد تا سیاست های هیات حاکم را توجیه نماید - ایشان خطاب به کارگران اظهار میدارند: "ما به این نتیجه رسیدیم که برای حاکمیت شوهرای واقعی ابتدا باید کارخانه را از افراد رژیم اختلاس کننده و مانع تولید پاکسازی کنیم و سپس شوهرای منتخب تشکیل شود" - سزای این مسئله کما این گفته از روی حسن نیت بیان شده و در پشت این کلمات نقشه حمله به شوهرای کارگری نهفته شده است اما بهر حال از نقطه نظر تجارب عیسی و واقعیت عیسی این نظریه بغاوتی است لفظ است "نیزاً دقیقاً یکی از عوامل بیه این شوهرای واقعی منتخب کارگران نیز پاکسازی کارخانجات است از اختلاس کنندگان مالی و رژیم جلوگیری از خرابکاری و کارشکنی های سرپایه داران - مدبران دولتی و حتی وزارت صنایع و معادن در امر تولید است - و تنها پرسنه واقعی برای مبارزه و مقابله با اختیسی تشکلات دقیقاً تشکیل شوهرای واقعی منتخب خود کارگران است - هیات حاکم با دستور انحلال شوهرای واقعی می گویند تا حرجه واقعی مبارزه بسا سرپایه داران و دولت حامی سرپایه داری را از بین ببرد - بپهر حال کارگران قهرمان تراکتور سازی بیست و چهار ساعت بعد از سخنرانی قوی تا ذکر می باشد و بطبقه

- ۱- بازگشت ۳ کارگر مبارز اخراجی
- ۱- رسمیت شناخته شدن حق تشکیل شوهرای کارگری
- ۳- انتشار لیست کلیه عناصر سارواکی شامل در کارخانه
- ۴- ساعت کار در هفته

شده تا این یک پند فذای گرم در کارخانه - هیات حاکم که مبارزه در زیر تابش خورشید را نا مناسب دید - بدامن تاریکی شب بناد برد و ساعت ۱ بعد از نیمه شب گروهی از پاسداران مسلح خود را برای حمله به آبارانه های مسکونی مبارز را بجزم رهبری انتصاب و عالم خواب رسیده اری ریزه و آنها را بسا زندان کتبه مرکزی امام و انقاص در کتوبری سابق امیرکا منتقل نمود تا از آنجا به دادگاه انقلاب اسلامی سوده شوند - کارگران در اول وقت اداری سه شنبه ۲۸ مرداد که از واقعه دستگیری همکاران خود واقف نشده - قریب راه میباشی در محوطه کارخانه کتوبه زنده - و راه میباشی مد کتوبری کارکنان عضو کانون فرهنگ اسلامی کارخانه که شعار "اسلام بیروز است - چه راست ناید است" را سرداده بودند نتوانست مقاومت کارگران مبارز را در هم بشکند - دگر روشن شده است که حکمیت اسلامی کنونی که پسر تاریخ سرپایه داری مفلوک ایران قسار گرفته خود یکی از دست راستی ترین حکمیت های مفلوک می باشد و تنها راه حل انقلابی برای رهائی کارگران و زحمتکشان از بحران کنونی جایگزین همین حکمیت با حکمیت کارگران و دهقانان است -

امروز ماهیت ضد انقلابی و ضد کارگری هیات حاکم بدافع سرپایه داری ایران هر چه بیشتر برلا شده است - در مقابل حیلانی که این رژیم متوجه حقوق صغری و واقعی - حق کنترل کارگران بر تولید و توزیع شوهرای کارگران نمود است رژیم تشکیل و اتحاد کلیه گردان های طبقه کارگر هر چه بیشتر احساس می گردد - اولیه قدم در این راه - برقراری اتحاد عمل و ایجاد هماهنگی مبارزه بین کارگران تراکتورسازی و کارگران ماشین سازی تبریز می باشد -

"اتحاد - اتحاد کارگرنی تقمینه!"



بیزه یعنی بازمانده گان دانه بسا آدم حوزی سینا رکی - خود به تصادف بنشینند - آن وقت به کارگران در زحمتکشان ایران ثابت خواهد شد که در بسک دادگاه دگرانیک - جای کارکودادستان شرح حکمیت اسلامی سرپایه داران روی همان نیکس است که حسین تکب طرزاده رژیم استبداد و سلطنت در روی آن بقف نشسته اند!

حقوق عدالت برای خاکستر شده گسان و بازمانده گان سینا رکی و کلیه کارگران و زحمتکشان ایران با دادگاه انقلاب اسلامی بیزه فاجعه سینا رکی بسا است آمدنی نیست - و دادگاه مزبور نیست خواهان چنین عدالت خواهی نیست - چنین کاری فقط با تشکیل یک کمیسیون تحقیق مستقل و متشکل از بازمانده گسان قاجیه امکان پذیر است - دولت

## چهره آنگارستان

حجت الاسلام حسین نیرگودر جریان تحمیل بازمانده گان دانه به سه خویرستان "تشریف" آورده بودند بسا بایشن به جرم "مقاومت" و "توجهی" به خواسته های بازمانده گان به پای میسز عدالت احضار شوند - اما تجربه ثابت کرده است که

مبارزات "ضد طاغوتی" امام

جنبش پرتران خدا استبداد - ضد سلطنت یا بیوزی قیام بهمن ماه رژیم را مسافه کرد. اما دستگاه سلطنت آگس چه ضربه خورد. سرنگون نشد. حکومت جدیدی که بر انواع مبارزات توده ای به قدرت رسید. با سوشی باور تکره نسی بازسازی دستگاه استبداد سرمایه داری را آغاز کرد. برای بازسازی دستگاه پوسیده "سلطه طبقات دارا نه تنها بازسازی ارتش پلیس، ژاندارمری، ساوازه" ضروری بود. نسبتاً به زیر سلطه کشیدند. گفته های انقلاب و تشکیل گسارده "جاویدان" سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ضروری بود. بلکه راس این دستگاه سرکوب و حاکمیت سرمایه نیز باید بازسازی می شد. باید بجسای سلطنت خلافت ولی امر در راس دستگاه سرکوب طبقات دارا قرار گیرد. ولایت فقیه با تمام شایعات های که با سلطنت دارا در ازای پولگی های خاص خود نیز هست: "در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خدا است ( ) و قانسون فرمان و حکم خدا است" ( ولایت فقیه ص ۵۲ ) "ولایت فقیه ... والعیین جسر جعل ندارد، مانند جعل اقراردادن.

تعمین ( قلم برای فشار: قلم طلعت با قیومشار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. " ولایت فقیه ص ۶۵ ) روحانی که با تکیه بر مبارزات توده ای حاکمیت خود را بدست آورد، "موجب الهی" سلطنت را به "قانسون" فرمان و حکم خدا" تبدیل کند. احکامی که اجرای آن بر عهده "نمانند" گان انحصاری خدا بر روی زمین" یعنی روحانیت را گذارده است و اطاعت از امر ولی امر واجب تشریح است. آنها از مبارزه کارگران و زحمتکشان طبقه استبداد برای استقرار حکومتی طبقه کارگران و زحمتکشان و بیقرار سر آنها استفاده کردند.

حاکمیت روحانیت بدافع ناقص سرمایه داران و زمین داران بزرگ هر روز در میان اقتدار وسیعتری از کارگران و زحمتکشان بی اعتبار می شود. انستزای روحانیت حاکم در جامعه او را بسخت سرکوب هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان سوق می دهد. سخنان امام خمینی این امر را بخوبی نشان می دهد:

قیام زحمتکشان و ستمدیدگان برای استقرار حکومت کارگران، دهقانان و زحمتکشان طاغوتیست! زحمتکشان از نظر ایستادن فقط حق این را دارند که قیام کنند تا قیام خود را بر ستمد قدرت بنشانند. آری از نظر این مدافعان منافع سرمایه داران و زمین داران بزرگ خواست های عمیق و برحق زحمتکشان ستمدیدگان جامعه طبقاتی است. طبقات طبقه حاکمیت قانون خدا و طبقات طبقه حاکمیت روحانیت مدافع سرمایه داران زمینداران بزرگ است. روحانیت حاکم که از توده های مردم حق حاکمیت را سلب کرده است. قادر به پاسخ گویند به ابتدای ترین خواست های کارگران و زحمتکشان نیست. علاوه بر آن سرکوب زحمتکشان را که بر خواست های برحق خود پای می خشد و وظیفه خود می داند. بران کارگران و زحمتکشان تنها پند راه و چسود دارد. اعمال اراده خود را بر سر اقتدار حکومت خود شان، یعنی حکومت کارگران و دهقانان آنها باید به حاکمیت روحانیت بسازد. بگویند و خواستار تشکیل مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی شوند! کارگران و زحمتکشان طاغوتی نیستند. روحانی که در برابر انقلاب زحمتکشان طغیان کرده است. طاغوتی است. علی باید

کردماند که برخلاف معاد بخوانان و دولتمردان. در کنار توده ها قسار گرفته اند و دفاع از منافع ستمدیدگان در لوجه مبارزاتشان قسار دارند. بی ( معاد بخواد ) پس به مسئله گره ها اشاره کرد و گفت: "گام بعدی ستم گیندگان که به ستم و عدت می بردند، گله دارند که چرا به عدت اشاره می کنید ولی به گره ها می نازید؟ باید گفت برای اینکه آمریکا را بگریبوی ضربات آبرو خنسی کنیم باید سیر آنها یعنی همین گره ها را بشکنیم". معاد بخواد که نیروها و سازمانهای متشک به زحمتکشان را شامل امپریالیست می یابد. نگاه جبارانه را تا آنجا می رساند که از واژه کمونیسم آمریکا می استفاده می کند. چرا در مجلس خواهان افشای کلیه فراردهای امپریالیست امپریالیست نمی شود؟ چرا خواهان معاد در گینه اموال و کارخانجات و تاسیسات امپریالیست بدین برداشت دنیای غربت نمی گردند؟ چرا نامه نماندگان گنره آمریکا به مجلس شورای اسلامی را برای مردم قاش نمی کند؟ دم خروس را باور کنیم یا قسم حفسرت عباس را؟ معاد بخواد و همایش ها پیش را با مبارزات ضد امپریالیست چکسار. سرنگران را با اصل و عدت تگسه از

نماز جمعه جولانگاه مفتربان

نماز جمعه از بدتر برگروری آن ناگوارن هواره مورد استفاده و تعارض رانسته به محافل سرمایه داری ایران قسار گرفته است و پیگیرانه از این گره های مبارزات بپره برود آری تا شرح کشده "با سو" استفاده از احساسات پساسک زحمتکشان مسلمان، اهداف و برانه های هیات حاکم تبلیغ و ترویج می شود. همه بخاطر داریم که بعد از اولین نسااز جمعه - که در آنروز صف نمازگزاران سربه میلیون ها می رزد - نخست وزیر دولت بازرگانان، مهندس بازرگان ا عراق چپین سر نیاید و پشت میزوفون قرار گرفته و به روزال همیشه چه صفرا گنرها گسه سرهم کرد. آخرین نماز جمعه ۷ شهریور ماه ۵۹ نیز عرصه ناخفت و ناز کارگران معوم و کملا سرمایه داری ایران بود. "هر این روز ابتدا حجت اسلام معاد بخواد اسلامی بیرومن سایل مختلف شیور را از سرگشادش ناخفت و در حالی که جسی می کرد حقایق جامعه را وارونه جلوه دهد گفت: "خدا ش که گره های مناقق به انقلاب اسلامی کردند این است

راه مبارزه با بیکاری، کاهش ساعات کار بدون کسر دستمزدها!

# سخنی با دوستان مجاهد:

## از مبارزه علیه ارتجاع دست نکشید

خسرو داور

روشن نگرد! مگر لقبه ولی امر، عراجضا در دفاع از حزب جمهوری اسلامی و شرکای و علیه مجاهدین بی موعه گزشت؟ مگر بسا سخنرانان خود بر صحنه های منتشر کنندگان نشریه "مناقض" میروند تا اینکه تکریمه و آینه های سازمان مجاهدین خلق دست از مبارزه ضد امپریالیسم و ضد ارتجاعی می شوی و انتظار می کنی تا وضعیت روشن شود؟! این بهانه های است برای تسلیم ظلمی در مقابل ارتجاعی در شرایطی که ارتجاع ضعف زبونی خود را بیان کرده است. سازمان مجاهدین خلق راه تسلیم ظلمی را پیش میگرد و تزلزل خود را به نمایش میگذارد. بیاید سیاست ها و عملکردهای دوستان مجاهد را دقیقتر بررسی کنیم ببینیم در صورت چه گفتمان و در عمل چه کرده اند.

مجاهدین با مبارزه برای حقوقی دمکراتیک و در عین حال مبارزه علیه حزب جمهوری اسلامی و افشای ماهیت آن در میان توده ها از محبوبیت وسیعی برخوردار شده و بدل به یک نیروی تعیین کننده در جامعه شده اند. (فعلا از این حقیقت گذیم که مبارزه مجاهدین حتی برای حقوقی دمکراتیک خودشان تا بیکرانه تزلزل و فریبش بود. چه برسد به دفاع از حقوقی دمکراتیک بطور کلی).

مجاهدین - حزب جمهوری اسلامی را در مقاله "انحصار طلبی در کارنامه ارتجاع" - مجاهد شماره ۴ چنین توصیف می کنند: "بعد از انقلاب بسک جریان راست گرای ارتجاعی با سرمایه استفاده از نام اسلام و امام (!!!) در جامعه و منجمله نهاد های دولتی شکل و قدرت گرفت. از ویژگی های این جریان ارتجاعی انحصار طلبی، ضدیت با سگه اندازی در ایجاد و گسترش سیستم شوراوی، بوده است." تا اینکه همه جا از بنده ها و چلو نویسی بودند. واقع کارخانه جات و موسسات تولیدی کشور با آموزش نشان دهنده های همگامی میروند و دستگیر می شوند. از آنروست که مبارزه ضد امپریالیسم از مبارزه ضد ارتجاعی جدا نیست. لذا کارگران و شورا های واقعی باید هوشیارانه در برابر جریان های ارتجاعی بایستند و دست به مبارزه و افشای علیه جریان های انحصار طلب بزنند. هم چنین کارگران باید با تشکیل و گسترش شورا های واقعی و اتحاد به های انقلابی متابع شاخه، نیروها و تجارب خود را در راه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری و بسند

حکومت ارتجاع علیه انقلاب شده است. فقه ولی امر، مجلس شورای اسلامی، قضای عالیقدر، حجت الاسلامها، آیت الله ها، آیات شامان دارو دسته های قه کش و زنجیر زن، پاسداران، کینه ها، دادگاه های انقلاب و حزب جمهوری اسلامی همه در سوسالیزم و کونیزم جبهه گرفتند و می خواهند جامعه را از چنگ دشمنان اسلام نجات بدهند. آنان شعار حزب الله متحد شده اند و علیه انحصار و با عبارت "نصریناله وفتحان" به جوانان اسلام، دارو دسته های لویین قلوب می دهند تا بتوانند بسر کار و مناقضین فقه کنند. فقه انقلاب بر سر انقلاب فریاد میزند: "گم شو".

شیخ انقلاب بیمن بر سر هیئات حاکم درگشت و گذار است. تمام بنام سر پست و حقیر جامعه دور هم گرد آمدند تا یکدیگر را در مقابل خطر انقلاب نسلی بدهند و ضعف خود را بپوشانند. آنگاه همگی یکدیگر فریاد میزنند: "مناقضین بدتر از کافرند".

جادی و شر شیطان لازم نبود تا شاهکار جمهوری اسلامی را به جانسور کوبه، به گزاف بدل کند. رژیم ولا یست فقه گوی تحقق روح ارتجاع در دوران انقلاب مشروطیت است که در میدان توپخانه از دین گوی شیخ فضل الله نوری، این شهید راه استمداد، نعره می کشید: "ما دین نی خواهم مشروطه نمی خواهم".

ارتجاع برای تثبیت وضع خود و حل مناقض هستی متضاد رژیم جمهوری اسلامی به دسته های اوباش و ارادت متوسل می شود. دارو دسته های کسه برای یک وند چلو خورشت مسجده در خیابان ها نعره خواهند کشید: "رئیس جمهوری باید بگردد، ولا یست فقه ایجاد باید گردد".

حزب جمهوری اسلامی به عنوان سرگرده لویین خرد، بیوزاری و لویسن بیوزاری می خواهد تا به کمک و هدایت مجلس شورای اسلامی و فقه ولی امر این تضاد دوینی رژیم، تضاد با رئیسی جمهوری را حل کند. رئیس جمهور می خواهد تا کراهت رژیم جمهوری اسلامی را در زیر لوای پرخطر طریق جمهوری حفظ کند. "وی خواستار تثبیت وضع مناقض خود است. روزنامه حزب جمهوری اسلامی به بنی صدور روزنامه گوش بفرمان رئیس جمهور

بکار گیرند. اما اگر از عقل درنگ مجاهد پس از ارتجاع شورا های واقعی و مسائل دیگر بگذریم به لب طلب از بدگناه خود مجاهدین بپردازیم به نتیجه ای جز این نخواهیم رسید که مبارزه نکردن علیه امپریالیسم و خیانت به انقلاب است. مجاهدین در تجربه خود دریافته اند که عملکرد مرتجعین در تحویل نهایی جز در خدمت امپریالیسم نیست و اعلامی کننده که "لذا کارگران و شورا های واقعی باید هوشیارانه در برابر جریان های ارتجاعی بایستند و دست به مبارزه و افشای بزنند. اما هنگامی که علیرغم خواسته خود اقدام می کند مجاهدین در دست خود را بر روی صورتشان میگزیند. کسا چه؟ ایران ارتجاعی را بینه و روزنامه و لغات خود را تعطیل می کند تا علیه این ارتجاعی ایران و آشکار دست به مبارزه و افشای بزنند".

مجاهدین بارها و بارها سعی نموده اند تا ماهیت و عملکرد امپریالیسم مرتجعین را افشا کنند و نشان بدهند تا سر دست چنانچه از آن چه گامی هستند و چگونه سیاست های باقیبست ارتجاعی ضد انقلابی را دنبال می کنند. پس از اینکه توطئه آیت افتخار شده - مجاهدین در شرایطه مجاهد نوشته اند - این آشکار شدن توطئه آیت افتخار است برای همه نیروها و شخصیت ها که طی آن بر حسب موقع گیری، ماهیت واقعی خود را بیورده اند. در برابر چنین آماجها و هر کس میسازد در آیت خلاصه کند و از این آیت ها و نشانه ها به تبیین فرآیند راه نرسد و تنها یک شخص را بیورده طعن و لعن قرار دهد. خود درستی آنچه در این مدت گذشته سپید است. در همه تفرقه ها، ناپسان ها، هرج و مرج و خون های می گاهی که از جانب امپریالیسم بر زمین ریخته است.

مسئله بنی بر چنین تبیین فرآیند "ای را انجامنداده است. وی حتی جزوات نگرد. است آشکارا ناپاسی از حزب جمهوری اسلامی بیورده. این حقیقت آشکارا باید بر همه نمایان بر اساس گفته مجاهدین و به درستی، وی "دو همه" تفرقه ها، ناپسان ها، هرج و مرج و خون های می گاهی که از جانب امپریالیسم بر زمین ریخته است" سپید است. مجاهدین هم بطریق حرف خود شان به چنین فرآیند های "را بیورده اند" مجاهدین آهسته گشته که توطئه آیت توطئه حزب جمهوری اسلامی است. اما گفتمان که این جریان تنها به حزب جمهوری ختم می شود. بلکه کل روحانیت حاکم از جمله آیت الله عینی را نیز در هم میگرد. و هنگامی که محسوسه بجه در صفحه ۱۴

سختی پیا...

آیت الله خمینی این حقیقت را با فتوای خود و هم چنین با اعلام اینکه "ایمن حزب (حزب جمهوری اسلامی) را تأیید نکنید - زیرا مورد تأیید منیم هست - (جمهوری اسلامی ۳۰ شهریور ۵۹) آشکار کرد. مجاهدین حتی از مبارزه سیاسی رفرمیستی خود نیز چشم پوشیده اند.

تاکنون بخش آگاه توده هراسا مخصوصاً طبقه کارگر به این "تبییین فرآینده" راه برده اند. آنها واقعاً تعجبیات را می بینند. هیأت حاکم و تقویت فرمان را در معرض دید همه گذاشته است و با اظهارات و متذکره های خود در حقیقت این "تبیین فرآینده" را آشکارا در معرض دید توده ها گذاشته است. این تبیین کردن کار شایسته نیست - منالسه بر سر این نیست - چرا که این تبیین را خود ارتجاع هم انجام داده است. بلکه مسأله بر سر مبارزه با انقلاب است. نه با یک فرد. با حزب بلکه با گسل جریان ارتجاعی در جامعه مسأله بر سر مبارزه علیه این جریان اجتماعی سیاسی ارتجاعی است و نه بر سر تبیین و شناخت آن. و مجاهدین دست از مبارزه علیه این جریان ارتجاعی کشیده اند - اما نتیجه دست کشیدن از مبارزه چیست؟ مجاهدین به مثابه بر آنچه نقل شد در همان سطرهای منویسند "می شود محکم گرفت. استنادی نمود و جریان را تسلیت نیابت همه رنگ و ریشه هاش بی گولست و می شود قلمه را به اصطلاح مسیبل کرد و گشت و نیز می شود با مواضعی متزلزل و بر مادی از وحدت گزینی هسای صوری و سطحی غیر رفته و ناظر از میانی پاک سازند و تعلیق کنند بی وحدت به مسامحات با کسین ها تن در داد...

در این میان باز آنچه بر جای می ماند - دست های شکسته. چشم های از حد قفسه درآمده و قلب های پاره پاره است که ندای مسامحت و تزلزل آنها بی می شود که می بینند ولی نمی توانند عمل کنند! آری "می شود خیلی کارها کرد" می توان متزلزل و وحدت گزین سازشکار و تسلیم طلب بود و می توان قاطع و انقلابی بود - هر دو ممکن است - اما مجاهدین که ایمن هستند؟ در کدام طرفه هستند می گردند؟

هر خواننده صادق مدافعان می کنند که مجاهدین "قلمه را به اصطلاح مسیبل" می کنند و تسلیم می شوند - یعنی مسامحت تسلیم طلبی را اتخاذ می کنند - در این میان آنچه بر جای می ماند نه تبیین "دست های شکسته" چشم های از حد توده درآمده و قلب های پاره پاره است که ندای مسامحت و تزلزل آنها بی می شود که می بینند ولی نمی توانند عمل کنند - بلکه بسیار فراتر از این است! استناد ریح - بد بخش فلانکه و بیماری می نویسد

انسانی است که رهایی شان نرسد ای تسلیم طلبی. مسامحت و تزلزل می شود آنچه که رخ خواهد داد فاجعه است و نه صرفاً "چشم های از حد توده درآمده و دست های شکسته" - در این تسلیم طلبی ارتجاع و عقب ماندگی - خود کشیدن کارگران و سلاخی هزارها انسان بیگناه و دانش های بی شمار است - برپوشیده است.

ایست ابعاد فاجعه - مسوولیت این فجاجع بیشتر متعلق به آن کسانی است که می بینند ولی نمی بینند و عمل نمی کنند و مسامحت و تزلزل تسلیم طلبی را اتخاذ کرده اند - و به جای اینکه به توده های آگاه مکتب باشند و توده های را که دچار توهین آگاه کنند - کاملاً تسلیم می شوند - دوستان سازمان مجاهدین خلق شما حرثان با مثلثان یکی نیست - شما با اتحاد سیاست تسلیم طلبانه در برابر هیأت حاکم حزب جمهوری اسلامی و روحانیت. کارگران مجاهد و هزارها هزار نفر از هواداران سازمان را در برابر ارتجاع خلق صلاح کرده و رها نموده اند - شما - با دست کشیدن از مبارزه - صف مبارزه را خالی کرده امپهالیش توده ها را شده اند - تصحیف کرده و به ارتجاع اجازه داده اید تا با دست باز به انقلاب حمله کند - دست کشیدن از فعالیتات حزبی انقلابی نیست -

شما بجای دفاع از دست آورده های انقلابی توده ها و تعمیق آنها - قدم به قدم عقب نشینی کرده اید و تسلیم می شوید - مسامحت و مسامحت را دنبال نمود اید - از آزادی های دموکراتیک خود حق آزادی بیان. مطبوعات - شورای حقوق زن و مرده. آزادی مطبوعات هسای ستم دیده و فزود حجت گردید. اما دفاع عمل کرده اید.

مسامحتا شما تاکنون بجای اینکه با تکیه بر توده ها و نیروهای انقلابی قاطعانه علیه ارتجاع بجهنگید - به دنبال این بود اید که از میان حکومتگران به چه کسی تکیه کنید - گاهی به بنی صدر. گاهی به حاج احمد آقا خمینی و شاید به مهندس بازرگان.

اگر بنی صدر یا مهندس بازرگان می توانستند از حقوق مجاهدین دفاع کنند اول از حقوق خودشان دفاع می کردند - اینان در بزودی ضعف و چین می خوردند - با یک بگر مسامحت گذاشته اند - اگر مجاهدین به پشتیبانی بازرگان "لیبرال" و همینطور بنی صدر درخوشی اند - بایست فهمیده باشند که اینجا از خود نشان در برابر حزب جمهوری اسلامی نتوانستند دفاع کنند - چه برسد که علیه حزب مبارزه کنند - واقعاً برسدی است که مجاهدین به چه چیز بنی صدر چشم دوخته اند؟ به "قاطعیت طغیوار" بنی صدر در سرکوبی زندگیشان - شوراها کارگری و خلق های

سندیده چشم دوخته اند - و با به شیبوه معمول بنی صدر که با "قاطعیت" بر سر صرح حملات ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی علیه شاه ظاهر آزاد و بیرون کشیدن بنی صدر است که چشم دوخته اند و چنان شقیقه شده اید که مبارزه و افتادگی را فراموش نمود اید؟

آیا مگر بنی صدر را از اینکه راه را برای به قدر رسیدن کامل جناح دیگر هیأت حاکم یعنی حزب جمهوری اسلامی هموار کند رسالت دیگری انجام داده است؟ سازمان مجاهدین باید آگاه باشد که بعد هسای که بنی صدر و با هسو گس دیگری در حکومت به آنان نشان می دهد سراسر پیش نیست - مجاهدین نیز از تراجعی بین جناح های حکومت تعصبی نخواهند برد - همانقدر جناح احمد آقا خمینی می تواند حقوق خناسی مجاهدین را برآورده کند که جیسوران و سازمان امل حقوق خلق فلسطین و کسره را "برآورده"؟

اختلافات درون هیأت حاکم - اختلافات جناح های مختلف به بر سر حقوق دموکراتیک و آزادی - بلکه بر سر نوع سرکوب زندگیشان و شیوه بازسازی نظام سرپا به اری است - بنی صدر خود شریک جرم در جنایت های حزب جمهوری و در قافله است - وی نمی خواهد و نه می تواند علیه آن نیروی که مجاهدین به آن ارتجاع می گردیدند قاطعانه بجهنگد - چرا که او موقعیت خود بعنوان رئیس جمهور در چارچوب نظام ولایت فقیه جمهوری اسلامی - یعنی قانون اساسی مجلس خبرگان را باید برنشیند - این موقعیت بنی صدر به نظر تائض آمیز رسد - لیکن وی ایمن موقعیت نهاد آمیز خود را قبول کرده است - سازمان مجاهدین خلق با توسل به بنی صدر و تزلزل در مبارزه قاطعانه

ضرورت

حکومتی خلاصه نمی شود - تعصب ناهای دولتی کافی پاروای پیش نیستند - برای جلوگیری از فعالیت نیروهای سیاسی - در شرایط گونی - تشکیل دستگاه جاسوسی به مراتب گسترده تر از مسواک ضروری است - مسامحت از فعالیت احزاب سیاسی یعنی استقرار رئیس پلیس که از رژیم شاه سابق هم وحشی تر خواهد بود -

دولت جمهوری اسلامی دستگاه های تبلیغاتی آن بازوهای مسلح آن نظیر حزب الله و سپاه پاسداران - در حملات جدید علیه آزادی احزاب افسد اف جدیدی از نیز دنبال می کنند - تهاجمات که فعلاً صورت می گیرد تنها جنبه فرسود کردن سازمان های سیاسی را نرسد - آنها زمینه غیر قانونی نمودن آزادی احزاب را توسط مجلس شورای اسلامی تدارک می بینند - حزب "رستاخیزی"

علیه حزب جمهوری اسلامی بطور اخصم حزب الله بطور گل - ماهیت فیکانیسی دولت را نیز مدوش نموده است - به بین ترتیب زندگیشان را در برابر مؤلفین سیاسی هیأت حاکم از نظریه اولیون شک و سیاسی خلق صلاح نموده است - تا بر این سازمان مجاهدین خلق برای دفاع از حتی ایندای ترین حقوق دموکراتیک و مبارزه علیه حزب الله تسلط می باید به نیروی لایزال کارگزاران و زندگیشان متکی باشد -

شاید انتظار از مجاهدین بسزای اینک تحلیل مارکسیستی ارائه داده و بیکه بر پایه انقلابی برای رسیدن به سوسیالیسم تدوین بکنند - پیروده باشد - اما ایمن انتظار که مجاهدین به همان برنامه رفرمیستی خود شان عمل کنند نه تبیین پیروده نیست بلکه کاملاً بی جا است - اما مسامحتا مجاهدین برای تحقق همان برنامه خود نیز قاطعانه مبارزه نمی کنند - مجاهدین آنچه در حرف می گویند به آن عمل نمی کنند - آنان برای مبارزه علیه حزب جمهوری اسلامی به بنی صدر و بنی صدر در مبارزه خود با حزب جمهوری اسلامی - مجاهدین را سرپا کرده است - آیا تجربه چند ماهه گذشته کافی نیست تا مجاهدین جنگ بین مجاهدین و ارتجاع - تنها "چپ" بود که از حقوق مجاهدین در برابر حملات ارتجاعی دفاع کرد - مسامحتا سازمان های کارگری مشرفی و انقلابی بودند که قاطعانه مبارزه کرده اند - سازمان مجاهدین خلق بجای اینکه چشم به جناحی از حکومتگران داشته باشد - تنها باید به نیروهای توده ها و سازمان های انقلابی مشرفی متکی باشد - ایمن حقیقت را مجاهدین باید تاکنون دریافته باشند - پس چرا به آن عمل نمی کنند؟

جمهوری اسلامی که اکثریت کرسی های مجلس اسلامی را توسط فقیهات فلسفی در اختیار داشت به خود اختصاص داده است - می خواهد با اقدامات اخیر چنین افسوس سازد که "مردم" خواستار تغییر قانونی اعلام نمودن فعالیت احزاب سیاسی هستند و در نتیجه مجلس دست نشانده بایست آزادی احزاب را رسماً لغو کند - این مسلم است که قیام مردم علیه استبداد پهلوی برای استقرار استبداد روحانیت نبود - هر مجلسی که تسامحین "رضا خانی" غیر قانونی بودن فعالیت احزاب را تصویب کند خود شیطان تونس است - باید منحل شود - مجلس اسلامی دست کسسی از مجلس های دست نشانده دوران استبداد پهلوی ندارد - بنابراین اگر میسازد آزادی جدی علیه حملاتی که برای باطل نمودن آزادی احزاب می شود صورت نگردد - مجلس اسلامی به احتمال زیاد قانون رها خناسی بلیه در صحنه ۱۶

# کارگران لهستان چه می گویند؟



است: در ابتدا ساموس مطلق اخبار لهستان، نه تنها در دیگر کشورهای بلوک شرق بلکه حتی در خود لهستان! پس از آن موجی از برچسب و افشرا و بهمه آن شهید کارگران مبارز و در آخر دستگیری مخالفین دولت و رهبران جنبش کارگری در لهستان.

برخی از نکات مندرج در مطالعه **پایک کارین** مورد توافق جنبش بین المللی ترنکیش نیست. ما معتقد هستیم که از طریق یک سری "فرهنگهای اساسی" می توان مسائل حاد اجتماعی- اقتصادی جهان را در یک چارچوب کارگری در نظر گرفت. تنها یک انقلاب سیاسی به رهبری یک حزب انقلابی کارگری می تواند چنین امری را به انجام رساند. با این وجود به سبب اهمیت این مباحثه آنرا بدون تغییر سبب منتشر نمی کنیم.

نگه آخر آنکه از تاریخ انجمن این مباحثه مدتی نسبتاً طولانی می گذرد. در پرتو جریانات اخیر سبب جنبش کارگری لهستان می تواند به پایه جود ارزیابی مجدد در قرار گیرد. لازم به تذکر است که **پایک کارین** خود اکنون دستگیر شده است و زندانی است. وی یکی از زندانیان سیاسی است که بنا به ادعای رژیم لهستان وجود خارجی ندارند!

\*\*\*

من صرف نظر از کینه های انتصاب در ملیک وزم، ادرسون آیا کینه های

آنچه که در زیر می خوانید - مباحثاتی است با **پایک کارین** یکی از رهبران کینه دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی لهستان که در حدود ۶ هفته قبل انجام شده است. این مباحثه برای نخستین بار در روزنامه فرانسوی **پیز** ارگان بخش بین الملل جبار در فرانسه، به چاپ رسیده. هدف از چاپ آن در چه باید کرد شما ساینده نگارنده این کینه به خوانندگان روزنامه است. اینکده راجع به جریان انقلابی سیاستمداران جهان سرمایه داری از **پینالد ریگان** (کاندیدای مقام ریاست جمهوری آمریکا) گرفته تا روزنامه های مترجم سرمایه داری در ایران (همچون روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان) برای کارگران لهستان اشک تصاح میریزند و از آنها "دفاع" می کنند. هدف از این "دفاع" روشن است: آنها با یکسان نشان دادن سیاست های بورژوازی ضد انقلابی حاکم در لهستان و عقاید سوسیالیست انقلابی معنی در لجن برانگیخته علیه جنبش کمونیست جهانی را دارند. برای انگاز ترس و حق باقی موثرترین شیوه است. آنها جنبش کارگری لهستان را این چنین این کشور را از جمله کینه دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی (راضه کمونیست) قلمداد می کنند. از سوی دیگر بورژوازی ضد انقلابی حاکم در کشورهای بلوک شرق و مکتب منحط آن، استالینیزم، شیوه های همیشگی خود را بکار برده

می کنند و تصور می کنیم که مقامات کارخانه بخاطر آنکه آنها را وارد به شکستن انتصاب خود کنند. پرداخت حقوق آنها را به تعویق خواهند انداخته، ما همه صلح عالی تری را زیاده می نیت به سال ۱۹۷۶ رسیده ایم. با این وجود هنوز کینه های کارخانه در همه جا وجود نیاورده اند. مجتمع **ادرسون** شمال درشان خود سازماندهی برای دیگر نقاط کشورند.

ما در این باره صحت می گویند که نیاز به یک بحث در سطح سراسری برای تحقق دادن به یک سری رویهها و ساختار اقتصاد کشور احساس می شود. در حال حاضر، آیا این ساله صرفاً بعنوان یک خط مشی روی کاغذ باقی مانده است و می تواند به تنهایی در جهت سازماندهی آن برآید. بعنوان مثال یک مینیک سراسری که نمایندگانی کارخانجات در احاطه انتصاب را در برگیرند تشکیل دهد!

کارین: نه هنوز نه. ما معتقدیم در جریان بقیه در صفحه ۱۴

استفاده کلیتاً از رسانه های جمعی  
۳- خلق تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل و مجزا از حزب کمونیست حاکم  
حال یک ساله بطرح مشاهده می شود و آن اینکه هیچیک از این خواست های کارگران خواست سیاسی نیستند که جنبه "موقتی" داشته باشند و حزب توده هنگامیکه سبب جنبش کارگری لهستان را "بخش دشواری های موقت" می خواند دروغ می گوید. حزب توده که در همین مقاله با ذکر جزئیات از بسیاری از گامهای ما بطرح "سوسیالیست" در لهستان سخن می گوید چطور می تواند از وجود ساموس مطلق در رسانه های جمعی لهستان اطلاع یابد؟ چطور می تواند ارزیابی تمام و کمال شرایط کارگری بعد جنگ بورژوازی که از طریق پلیس مخفی و نیز گامندگان وابسته به حزب کمونیست انجام می پذیرد. ما اطلاع یابنده؟ و غیره...  
بدین سان هدف حزب توده نه ارائه یک تصویر واقعی از ریشه های لهستان بلکه ترویج سیاست های ضد کارگری، انحصار پلیته و بورژوازیست

## حزب توده سکوت خود را می شکند

انگیزه های صدها هزار کارگر یک کشور اروپای شرقی را لجن مالی می کند. ما هنوز موضع ارتجاعی حزب توده ایران به هنگام تصرف چکسلواکی توسط تانکهای بیجان پرشو را بخاطر داریم. حزب توده در مقاله خود در رابطه با خواست های کارگران از "بخش سیاسی دشواری های اقتصادی" صحبت می کند ولی از اینکه از اوایل شهریور خواستهای کارگران اساساً سیاسی بوده است سخن بیان نمی آورد. شاید هم منظور حزب توده از مطرح کردن نقش "گروهک های غیر مسئول و ضد سوسیالیست" و "عناصر مشکوک" این باشد که آنها با مطرح کردن برخی از خواست های "فلسفه سوسیالیست" ۲۰۰۰۰۰ کارگر ناگناه "سوسیالیست" گشته اند و بدین سان خواست های "غیر ستولانه" سیاسی مطرح شده است.  
حال بیاییم و تحولات روز اخیر

حزب توده ایران این سخنگوی اردوگاه "سوسیالیست" در ایران غایب سکوت خود را در فعال تحولات اخیر لهستان که در طی آن بیش از ۳۰۰۰ کارگری در روی رژیم بورژوازیست لهستان قرار گرفته، شکست. در روزنامه "سرمود" مورخه شششنبه ۴ شهریور نویسنده با اعتراف به "بخش دشواری های اقتصادی کنونی" در لهستان که البته "موقت" هستند همان مواضع همیشگی استالینیزم را بزبان می آورد. ضمن این مواضع شتابانده شده از قرار زیر است:  
۱- جریانات لهستان اساساً بسیار کوچک تر از آن است که خیرگزاری های فزاینده می کنند.  
۲- برخی اظهارات مشکوک (!) آنرا دامن می زنند.  
۳- گروهک های غیر مسئول، هر چه وضع طلب و ضد سوسیالیست" با توانیختن احساسات ناسوسیالیستی در واقع نمی دارند که سبب سوسیالیست این کشور را ضعیف کنند.  
این اولین بار نیست که حزب توده این ارگان بورژوازی ضد انقلابی حاکم بر دولت شوروی اینگونه خواست همار

۴- آزادی از ترویج عقاید مذهبی و حق



### اعضای کانون شوراهای کارگری شرق تهران را آزاد کنید! پاسداران اشغالگر را از کانون شوراها اخراج کنید!

کمیته مرکزی انقلاب اسلامی مستقر در ساختمان مجلس شورای سابق در روز ۲۷ مرداد کانون شوراهای کارگری شرق تهران را بوسیله نیروهای مسلح پاسدار خود به تصرف در آورده و دستور از اعضای هیات‌مدته برون‌گویی را دستگیر نمود. گله ایرانی و لوازم کارگران را تصاحب کرد و برای توجیه اقدامات متزیر بسطه لجن برآکنی طبع کانون پرداخت است. کمیته مرکزی امام ادها می‌کند که "نمدهاد ۱۳۲۸ در مبارزات روز جمعه جمهوری اسلامی قانون اساسی، انتخابات مجلس خبرگان و ریاست جمهوری" را در کانسون شوراهای کارگری شرق تهران کشف کرده است. این اقدام قدری وقیح بین‌اماس و اهمیت در وطن آن قدری روشن است که احتیاجی به جواب ندارد. امسوزوه چه کسی است که نداند تبلیغات هیات‌هاک در کار انتخابات تا چه اندازه وسیع بوده است؟

"انجام" دیگر کانون اینست که بنا به ادعای هیات‌هاک محل کانسون "از سوی ساختمان‌های سازمانی ساواک منحل می‌باشد که بعد از انقلاب توسط تدای ناشناس اشغال و به نام کانسون شوراهای کارگری نامگذاری می‌شود." اینک این گفته هیات‌هاک با چه انداز صحت دارد چندان مطرح نیست. "مشطه" اینست که وقتی کارگران و دهقانان تشپا طبقات اساسی تولید کننده ثروت هستند و وقتی کل درآمد دولت و هزینه‌های لازم برای ایجاد ساختمان‌های گوناگون

کل کشور بابت الله بوسی ارب می‌سسی تاکنون به نام کانون باخشی نده مانسد. و باین ترتیب ثابت کرده‌اند اقدامات ضد کارگری کمیته مرکزی انقلاب اسلامی که حکم یکی از ارکان های اجزای هیات‌هاک را دارد مورد تأیید کامل فوه مفسنه و توه لفظیه نیز می‌باشد. اما بهر حال کمیته انقلاب اسلامی در جواب بسطه اعتراضی کانون، نامعای تحت عنوان "افشای کمیته مرکزی در بساره کانسون شوراهای شرق تهران" نوشته است. هیات‌هاک طی این نامه طلت اشغال نامی کانون را بخاطر این که "ماهیت این کانون کاملا مارکسیستی و ضد اسلامی است" اعلام نموده است. و در این موضع نیز یکی دیگر از ابعاد حملات سرپا برداری علیه کارگران را نشان می‌دهد. باین ترتیب که هیات‌هاک خود را محصل مجاز می‌داند تا در مورد سازمان‌های مستقل کارگران به تنقیض عقاید برون‌آزه و در ضمن طریقه ابران نظریات مارکسیستی را غیر قانونی و مستوجب مجازات قلمساده نماید. از طرف دیگر برای خود این حق مدعی می‌شود که نه تنها در امسوزوه مدعی هیات‌هاک افراد سازمان‌ها و گروه‌ها مدخله نماید. بلکه طایفه غیر مدعی هیات‌هاک را غیر اسلامی و غیر قانونی نماید. اما کارگران ایران نباید حملات هیات‌هاک سرپا برداری را بدون جواب بگذرانند. نیاز های مبارزات کارگری و ممانع آزادی و انقلاب اجتناب می‌کنند که طایفه متشکل، مترکز و گسترده‌ای در مبارزه با هیات‌هاک سازمان داده شود. فقط از طریق اتحاد بولادین و مبارزات بیگرم کارگران است که اطعای مبارز کانسون شوراهای کارگری شرق تهران از زنده‌اند

مخلص برای همه ترویج کنیم، بمنسوان مثال ما در آخرین شماره "پروتنپیک" (شماره ۵۷) علاوه بر جواب بی‌اساس "کمیته" دفاع از حقوق اقتصادی و سیاسی مورچه ۱۱ زوبته و تقییم تحولات اخیر کشور کهیز که قهرست اعتماد، خواست‌های کارگری و غیره را در بر می‌گیرد. بیک گزارش بسیار مطبل در مورد تولد کمیسیون کارگری در ایران و آرد ما با برآینس که چنین کاری را ادامه دهیم به امید آنکه نیاز فعضی "پروتنپیک" را که ۲۰۰۰ نسخه است به سه برابر افزایش دهیم. س: پیش پیش شما در مورد مسجوع اعضا با نه اخیر چیست؟ فکر می‌کنید که ادامه یابد؟

کانون اعضا با نه هنگامی با بان خواهد بانده که کارگران به ۱۰ تا ۱۵ درصد اضافه حقوق خود دست یابند. در حال حاضر نظام دولتی در مقابل کارگران ظفر نقیض می‌کنند. و این خود به معنی دعوت صریح کارگران به انتصاب است! اما هم زبان با آن بسیاری از کارگران بیگسار شده‌اند. مثلا تمام کارگران شهر لیسوز (دوین شهر کارگری از لحاظ بزرگی است) و دین بیگسار می‌شوند بدلیل آنکه در

### حزب توده ...

حزب کمونیست لهستان است. و اینس تنها به بند دلیل صورت می‌گیرد. سخنگویان بیوکراسی شوروی در مطع جهانی از جمله حزب توده ایران نقش جز آیسیرا در عرصه بیگرم طبقاتی در ایران بسازی می‌کنند. آیا مارکسیزم انقلابی با خواستهای مطرح شده توسط کارگران لهستانی مخالف است؟ بسبب وجه جامعه سوسیالیستی نه تنها بر بنیاد نظام اشتراکی تولید بلکه بر پایه گسترده‌ترین آزادی های دموکراتیک استوار است. چگونه یک سوسیالیست می‌تواند از استیغی برخی از شوراها دست‌نشاده به هیات‌هاک جمهوری اسلامی انتقاد کند و باین حال خود در جامعه سوسیالیستی مدافع راستی کلمه شوراها به حزب کمونیست باشد؟ اگر همه کارگران کمونیستند؟ کسیر یک کارگر غیر کمونیست نباید حق داشته باشد در انتخابات شوراها شرکت کند؟ اگر بقیه در صفحه ۱۶

### کارگران لهستان ...

این موج اعتراضات ما می‌توانیم تجربه بدست آوریم و بیشتر از همه فانی ترین اشکال تجربه را به توده مردم بلجیانیسم و چون ما یک با نیز بپوش و خسروش را انتظار داریم. فکر می‌کنیم که خسرو سوازیانده‌های کارگران و خود سازماندهی کل جامعه صوبیت پیدا خواهد کرد و پس این مساله در درجه اول در مورد کارگران صادی خواهد بود. بطریق اولی ایسن کمربند نجات من نظیری برای کشور حتی برای خود حکومت خواهد بود. با اینکه من علاقه زیادی برای حفظ این حکومت نده اروپایی به ترتیب چنین وضعی است. بجزاره. مومیکه ما این مساله را با وفای کارخانه ادریسوز در میان گذاشتم تنها با گفته "شما راجع به با نیز صحت می‌کنید ولی چهار سال تمام طبل کشیده است که ما بتوانیم چنین مجلسی از سازماندهی را بوجود آوریم!" خ. در مدت است که اموز جسوز بسازند تراست، ما می‌توانیم اشکالی از دست یابنده‌ها را با آوردن مثال‌های

مقدمه

تنظیم از فرامرز قریب

مجلس شورای به اصطلاح اسلامی تشکیل شد... هیچ یک از نمایندگان مردم... و زحمتکش یعنی نمایندگان اکثریت مطلق جامعه... راه نرفته اند... این مجلس، مجلس آنان است... ما مباحثات آن را دنبال کنیم... سیاست های طبقات در آن که در این مجلس تعیین خواهند شد... سیاست های طبقات مرموع و زحمتکش را روشن سازیم... به همین منظور بخشی از نشریه را به مجلس آنان اختصاص میدهیم.

معین فر با زهم "مدال" گرفت!

بعد از تصویب اخبار نامشروع... معلوم العیالی نظیر آیه و بازگان... بار دیگر مجلس شورای اسلامی دست به اقدام ضد انقلاب دیگری زد... در برابر دیدگان حیرت زده زحمتکش، با گذراندن دشتی اعتبارنامه علی کریم معین فر... اکثریت قاطع تصویب کرد... ترتیبی برای چند صد میلیون... واقعیت را خاطر نشان ساخت که برنامه مجلس سربازان... به بر اساس مصالح توده های مستعد... بلکه بر پایه منافع این و با آن جناح هیات حاکم تعیین می شود... لایحه به یاد آوری است که چندی پیش بنا به گواهی اسناد غیر قابل انکاری که از سوی گروهی از کارگزاران صنایع نفت در سطح وسیع پخش و انتشار یافت... علی اکبر خان معین فرسر در روزی که چندان دور... بخاطر مشارکت و مشارکت در امر احداث ساختمان های ساراک چنان سنگ تمام گذاشته بود که

بالا بنگاه... نمایندگان بودند... این حرفها... چه؟... من آدم کم هوش نیستم... پشت سر این اجمن ها را هم دقت... می کند... افراد را می بینم... چاقو کش... شعبان بیخ... عنوان دیگر شورای اسلامی کارگران... همه متخصصین مالی فتنه دارند... پیونده چاقو کشی دارند... بنده اینها را چون کردم و غرب کردم و اگر باشند با زهم بیرون می کنم... تقصیر از این قرار است که در روز ۲۲ تیر ماه ۵۱... بنا به دعوت ایجاد به اجین ها و شورای اسلامی کارگران صنعت نفت و منظور کند به اسرار با کمزاری و انگاری برپا آوردن... سوادگی... فراموشی و کارگران... و همچنین انتقاد از مسئولین صنعت نفت اجنهای در دفتر مرکزی شرکت ملی نفت تشکیل شد... این گروه ها با شرکت خوراها و اجین های اسلامی... شریاز... گریانشاه... شریاز... آبادان... خارک... آغا جاری... گیساران... بندرامام... بندرماهشهر... اندیشک... مسجد سلیمان تشکیل شده بود... در این گروه های به نقل از روزنامه... انقلاب اسلامی مورخه ۲۲ تیرماه... قطعنامه ای از طرف ایجاد به اجین ها و شورای اسلامی قرائت شد که در آن ضمن اشاره به ویژگی های خط انقلاب شدیدی... معین فر به عنوان وزیر فعلی نفت و مشاور سابق فنی ساراک انتقاد شده... خواهان محاکمه وی گردید... به نیال قرائت قطعنامه... مدارک و استناد

کند های بر حساب می کند... اگر چه روزنامه های رسمی و تبه رسمی هیات حاکم نیز اقرار کرده که گروه... ساریان ها و جمعیت های اسلامی افغانستان با رژیم های پاکستان... مصر و عربستان سعودی و امپریالیسم آمریکا ارتباط نزدیک دارند و از انسان کند حالی دریافت می کنند... معین آسن حقایق مانع از این نمی شود تا رژیم صیبری اسلامی برای "صدور انقلاب" در کنگ به حال امپریالیسم از رژیم های ارجحی منطقه سینه چیده... مالی یک بار از آزادی فلسطین صحبت می کنند بدون اینکه کوچکترین قدمی در راه کند به انقلاب فلسطین برد آزند... اگر چه رژیم معین همسنگی توده های زحمتکش ایران با انقلاب فلسطین دست و پای رژیم را شده است... اما رژیم صیبری اسلامی راه ها و مجرای گوناگون را برای به انحسراف گشادن انقلاب فلسطین و سرکوب آن دنبال می کند... رژیم معین می کند... تبلیغات سموم نژاد پرستانه... سردی... اعزاز ضد امپریالیسم و ضد... سر ریاست خلق فلسطین را منحصر صرف... کارگران... بدوی را از فلسطین... و رفوان و زحمتکش ایران جدا کرده

صدور...

کند های بر حساب می کند... اگر چه روزنامه های رسمی و تبه رسمی هیات حاکم نیز اقرار کرده که گروه... ساریان ها و جمعیت های اسلامی افغانستان با رژیم های پاکستان... مصر و عربستان سعودی و امپریالیسم آمریکا ارتباط نزدیک دارند و از انسان کند حالی دریافت می کنند... معین آسن حقایق مانع از این نمی شود تا رژیم صیبری اسلامی برای "صدور انقلاب" در کنگ به حال امپریالیسم از رژیم های ارجحی منطقه سینه چیده... مالی یک بار از آزادی فلسطین صحبت می کنند بدون اینکه کوچکترین قدمی در راه کند به انقلاب فلسطین برد آزند... اگر چه رژیم معین همسنگی توده های زحمتکش ایران با انقلاب فلسطین دست و پای رژیم را شده است... اما رژیم صیبری اسلامی راه ها و مجرای گوناگون را برای به انحسراف گشادن انقلاب فلسطین و سرکوب آن دنبال می کند... رژیم معین می کند... تبلیغات سموم نژاد پرستانه... سردی... اعزاز ضد امپریالیسم و ضد... سر ریاست خلق فلسطین را منحصر صرف... کارگران... بدوی را از فلسطین... و رفوان و زحمتکش ایران جدا کرده

### تحلیل مازاوضاع سیاسی

### آموزش سوسیالیستی

رفقای هیأت تحریریه  
چند شماره اول نشریه دارای متن گسب - ویژه آنکه کتاب بسیار موثری تحت دایمی بسیار خوبی تحت عنوان **آموزش سوسیالیستی** نام الفیاض مارکسیسم به قلم اریست مندل سوسیالیست بود - جز این سخن‌ها و احداث توسط انتشارات طلیعه منتشر شده است گردید باید ؟ بعلیده من برای آسوسوزش که به خوبی می‌تواند جای حالی مشیون مارکسیزم به کارگران شوی دایمی گسب آموزش نشریه را بر کند - در ضمن در نظر به زبان بسیار ساده مطالب را طرح گسب داشته باشد که با طویلیم حذف مشیون بسیار ضروری است - بنابراین خواهش مذکور مطالب آموزش متعددی در رابطه می‌گم ! چند نفر دیگر از هواداران نشریه با مسائل مهم جنبش کارگری متششتر نیز با من هم نظرنند ؛ در باره آسین گردیدیم ؛ مثلا ، در باره کشل کارگری ؛ سخن را چاپ گسب - البته قدری زیاده‌اش بین الملل چهارم ، شوراها کارگری ؛ ساده تر از قبل باشد - اهداف جنبش کارگری ؛ منشا ؛ جنبش

ع - اصلهیان کارگری نوین ، حزب‌های خلقی - هیأت تحریریه ؛ علت اصلی حذف مشیون کارگر ، سوسیالیزم و سرمایه داری ، جناح مذکور زیادی مطالب و گسبواست - در کارگران مبارز ، و سیاسی مطالب دیگر شراپلی که "آزادی اسلامی" حضرتات میبرحال ، پیشنهاد شماراد نظیر حاکم چاپ و بخش هرگونه عقیده ، تریسلی می‌گویم و چنانچه بتوانیم سعی می‌گیم واد شورا ساخته است - سعی ما بر این عملی سازی بود که مطالبی را که از طریق دیگر نیز

رقا  
پس از مطالعه چند شماره اخیر ما آشنا شوید - ۱ به فهرست مطالب نشریه من علاقمند که اطلاعات بیشتر شماره های گذشته نشریه که در در باره تحلیل شما از اوضاع سیاسی شماره بعدی منتشر می‌گردد رجوع کنید - ایران کسب کند - لفظ مرا در این رابطه در ضمن توبیه می‌گیم جزوای تحت راهنمایی کنید - آیا جزوای با کتابسی عنوان "بحران سرمایه داری ایران و در این باره منتشر گردید ؟ م - د - د - احتیاط سلطنت بهیولی" ا گسب و گسبوا ویژه - آذر ۱۳۵۷ ، برای شناخت زمینهای سیاسی و اقتصادی جنبش نو دای قتل از قیام و همچنین مطالعه ما تحلیل خود را از اوضاع سیاسی در ارتقا "الغالب ایران به کدام سوی بود ؟" با سایل مختلف مایزه طفاش متششتر گسب و گسب - دوره دوم ، شماره ۱۱ را نیز گردیدیم - در نتیجه شما نتیجه شما و هیأت

### گریمی حصار

مآززه برای آزادی گریمی حصار  
به گجا گسب ؟ چرا هیچ گونه اقدامی بشکند - برای اینکه سرمایه داران متششور برای آزادی آورنده - شما بارها در باره سرمایه های خود را نگارند ازند با پند اهمیت این ساله اخطار داد - پند سرمایه های سرشازی برای آنان نشین کرد - گریمی حصار ناپسند کارگران است - از اینو رژیم گسب همانند رژیم شاهنشاهی اگر دولت بتواند او در دستگیر زندانی می‌خواهد با ایجاد تفرقه و در هم گسب کند پس چه چیزی مانع این می‌شود که شکتش قدرتی بعد کارگران - دستگیری بودا همه ناپسند مآززه رعه کارخانجات و آزار همیان مآز کارگران و جلوگیری ساکت شدن کارگران و از سرگشته استعمار شد به آماده سازد -

ع - خ - تهران - هیأت تحریریه ؛ خواهیما برآید - ع - رژیم جمهوری اسلامی صدم است تا برای سرمایه سازی دولت سرمایه داری تمام تشکیلات کارگری از خواست کارگران ساکا - هششور

گریمی حصار را در زندان نگهداشته اند - که ادعای دفا وار کارگران را دارند - اما این امر به هیچ وجه بدان معنی ظواهر متششور که در اعتراض است نیست که رژیم جمهوری اسلامی هر کار گسب دستگیری گریمی حصار سازمان دهند تا بخواند می‌کند و نمی‌توان در مقابل ظلمات داد ستانی از ترس کارگران تهرسان آن مقاومت کرد - اگر آنها توانسته اند فورا او را آزاد سازند - در مجمع عمومی تا به امروز گریمی حصار را در زندان کارگران در کارخانه خود با ساکت نگهدارند - قطعه به این دلیل است گسب برادران و خواهران این ساله را در میان هنوز تمام نیروی عظیم کارگران در اعتراض بگذراند و از طریق شورای خود - بر این ساله به حرکت در نیامده است - این دو سازمان فشار بگذراند که به جایی مثلا ، کانست که گردانندگان کانسون حزب زند دست به پیشی قدمهای شوراها و اسلامی و کانون هماهنگی عملی بزند - شوراها و اسلامی کارخانجات تهرسان

### حزب توده...

بیمادی در کشورهای اروپای شرقی غیر قابل انکار است - این کامیاس هادر مقایسه کشورهای بلوک شرق با کشورهای سرمایه داری مشاهده می‌گردد و به سادگی نشان می‌دهد که دقیقا بدلیل سرگسب شدن نظام سرمایه داری در این کشورهای است - اما مواضع عقیده اقتصادی و سیاسی که برپورکراس شد انقلابی حاکم بر این کشورها بر سزاه تکامل این جوامع بسوی ساختمان سوسیالیزم ایجاد کرده است نیز غیر قابل انکار است - حزب توده از طریق صده گردن پیشرفت های نسبی اقتصادی بلوک شرق در واقع سرکوب و اختناق و نظام پلیسی حاکم بر این کشورها را توجیه می‌کند و در همین افشار ساختن سوسیالیزم آپ به آمیاب سرمایه داران می‌زند - جنبش کارگری و کمونیستی اسپران اکنون باید درس های اساسی از واقع لپستان را استخراج نماید تا بتواند در صفات با عقاید استالیانیستی پیروز گردد - عقایدی که نظام بورژوازیک موحسود در کشورهای بلوک شرق را توجیه می‌گسبند و خواهان تشکیل یک جنبش نظامی در ایران سنگین و ایجاد بازار کار و نابودی قسرو است -

خود نگه کند - چشم به دست سرداران حکومتی از نوعی صدها و پیشی ها در دهستانه - آنها با سازش با هیت حاکم طرفداران خود را به انفعال کشانده و از مبارزه دستشور کرده اند - سیاست های سازش و همکاری با سرمایه داری سکن است متجر به اجاره فعالیت طلی برای مدتی کوتاه تمام ادعای گسب - هیچ خطی نباید در مقابل خط امام مطرح شود -

اگر سردمداران حکومتی ۱۹ ساله پس از قیام بیس ماه صارت آنرا بسیدا می‌کنند که این چنین دست آبرد های مبارزات ضد استبدادی مردم کارگسب و زحشکن را پایمال کنند طفا آنرا باید در انفعال ساریان های مدعی دفا وار مانع زحشکنان جسته بود - ساریان های مانع مانند در قیام و مجاهدت خلق گسب از پایگاه نو دای نسبتا وسیعی برخوردارند نه تنها در مقابل حرات وحشیانه بسب آزاد بهای دیوکراکت نزول نشان داد مانع بلکه در مقابل آنها سکوت اختیار کرده و طب نشسته اند - آنها بجای آنکه بسب روحیه "مآززه جوی اعلا" و طرفسداران خود نگه کند - چشم به دست سردمداران حکومتی از نوعی صدها و پیشی ها در دهستانه - آنها با سازش با هیت حاکم طرفداران خود را به انفعال کشانده و از مبارزه دستشور کرده اند - سیاست های سازش و همکاری با سرمایه داری سکن است متجر به اجاره فعالیت طلی برای مدتی کوتاه تمام ادعای گسب - هیچ خطی نباید در مقابل خط امام مطرح شود -

اگر سردمداران حکومتی ۱۹ ساله پس از قیام بیس ماه صارت آنرا بسیدا می‌کنند که این چنین دست آبرد های مبارزات ضد استبدادی مردم کارگسب و زحشکن را پایمال کنند طفا آنرا باید در انفعال ساریان های مدعی دفا وار مانع زحشکنان جسته بود - ساریان های مانع مانند در قیام و مجاهدت خلق گسب از پایگاه نو دای نسبتا وسیعی برخوردارند نه تنها در مقابل حرات وحشیانه بسب آزاد بهای دیوکراکت نزول نشان داد مانع بلکه در مقابل آنها سکوت اختیار کرده و طب نشسته اند - آنها بجای آنکه بسب روحیه "مآززه جوی اعلا" و طرفسداران خود نگه کند - چشم به دست سردمداران حکومتی از نوعی صدها و پیشی ها در دهستانه - آنها با سازش با هیت حاکم طرفداران خود را به انفعال کشانده و از مبارزه دستشور کرده اند - سیاست های سازش و همکاری با سرمایه داری سکن است متجر به اجاره فعالیت طلی برای مدتی کوتاه تمام ادعای گسب - هیچ خطی نباید در مقابل خط امام مطرح شود -

### تصویر و صوت

# آزادی زنان

(قسمت اول)

طی بایده

بیش از چند هفته از استقرار رژیم خمینی نگذشته بود که ده ها هزار زن مبارز با شعار "آزادی بایده و نیاید" علیه تحصیل حجاب اجباری به خیابانها ریختند. آنها با حرکت توده ای خود در برابر حجاب سردارن، جده به کوشش و آوازش سازمان یافتند و روحانیت حاکم و نیروهای ارتجاعی جامعه را به عقب نشینی وادار کردند. سرداران کوششی از زینت آوازش جانورگشان و فدائیه پنهان برآمده خود را جهت پایان بخشیدن به ستمی که قرنیهای زنان ایران از آن رنج می بردند بیان کردند. "هیورسوری هم تو سوری" از آن زبان تا گشوی دولت جده طغیان در اجزای برآمده "هم تو سوری، هم تو سورا" جدیدی بر موقبلت بدست آورده است.

شرکت توده های ملیونی زنان در جنبش که منجر به پیروزی قیام بیمن ماه شد بر گسی پوشیده نیست. طویل شرکت توده های وسیع زنان در انقلاب ایران، پس از پیروزی قیام بیمن ماه نه تنها مؤثرات اجتماعی زنان بیشتر شد بلکه وضع آنان از سابق هم وجهتتر است. این لگه تنگ است بر چه ریزیم جمهوری اسلامی.

## نظام سرمایه داری و ستم کشیدگی زنان

ریشه حجابی که امروزه علیه زنان صورت می گیرد، در چرخان نظام سرمایه داری نهفته است. چرخان سرمایه داری عامل تشدید کننده ستم و تبعیض علیه زنان شده است. عامل اصلی ستم کشیدگی زنان در جامعه امروزی نیز خود نظام سرمایه داری است. ستم علیه زنان یکی از ارکان اساسی نظام سرمایه داری است. بدون اسارت زنان، اسارت طبقه کارگر توسط سرمایه داران قابل دوام نیست.

نظام خانوادگی آن نهاد اساسی از جامعه طبقاتی است که حافظ و تعیین کننده خصیصه ویژه ستم کشیدگی زنان است. مدافعین و نظریه پردازان سرمایه داری بخوبی از نقش خانواده در حفظ روابط بوسیده طبقاتی آگاه هستند. "خبرگان" دولت جده سرمایه داران این واقعت را با کمال وضوح در قانسون اساسی خود بیان کرده اند:

"خانواده واحد بنیادین جامعه و لاین اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق طبیعتی و آریایی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یافته انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زنان در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت اشیی بودن و یا (اجزای کار بودن) در خدمت اشخاصه معرفت زندگی و استشار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و مسرور مادری در پرورش انسانهای مکتبی بیض آهنگ و خود همزی بردان در میسر آن فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیت خطیر تر و در دگان اسلامی برخوردار از ارزش و کرامت والا تر است"

خواهد بود "فقدانه تائین اساسی، تاکید ها از ما است". از تمامات زبانی و بی ارزش مانند "وظیفه خطیر و بر آرج مادری" گسه "ارای" ارزش و کرامت والا تر از د بده گاه اساسی است گذریم. "خبرگان" اعمال من کنند که خانواده "واحد بنیادین" جامعه است. آنها بخوبی از اهمیت خانواده برای حفظ و ادامه حاکمیت نظام بوسیده سرمایه داری آگاهی دارند. نقش اساسی زنان در جامعه سرمایه داری بیگاری خانگی است. استراحت، تغذیه و تفریح کارگران در خانواده انجام می شود. خدمات زینان در خانه در خدمت تعدید تولید نیروی کار کارگران قرار می گیرد. کارگرانی که رقیق آنها توسط سرمایه داران کشیده شده است. زنان به اصطلاح "خانه دار" بردگان بدون جیره و مواتی هستند که هر روز نیروی کار همسران کارگر خود را دو باره تولید می کنند تا سرمایه داری بتواند به اشتراک خود ادامه دهد. بدون بردگی خانگی زنان خارج تعدید تولید نیروی کار کارگران بایده بر دستزد کارگران افزوده می شد. بهره بسر داری از موقعیت زنان در خانواده و تحکیم آن به اصطلاح "واحد بنیادین جامعه" از آن تین راه برای ادامه اشتراک کارگران است.

"وظیفه خطیر و بر آرج مادری" در حقیقت وظیفه تولید و تکمیل داری کارگران است که سرمایه داری هنوز قادر به اشتراک آنها نیست. جامعه سرمایه داری مسئولیت نگهداری از اطفال و افراد مسن را بر عهده خانواده می گذارد. در حقیقت جامعه سرمایه داری "واحد بنیادین" خانواده را محوریت واحد اجتماعی مستقلی که به تنهایی در رقابت با دیگران عمل می کند تبدیل می نماید. خانواده مسئول گذران زندگی افراد خود تراست. مسئولیتها پس که جامعه بایده عهده دار آن شود در جامعه سرمایه داری بر عهده واحد های متزوی و جدا از یکدیگر قرار می گیرد. وابستگی اقتصادی افراد خانوادده به یکدیگر، خانوادده را به نهادی محافظه کار تبدیل می کند. کارگرانی گسه مسئولیت نگهداری افراد خانوادده بسر عهده آنها است و اکثر آنها تنها نسان آبر خانوادده هستند. آمادگی کمتری بسیاری شرکت در مبارزات و انصافات کارگری دارند.

سرکوب هرگونه نصیان طبقه نظم موجود اجتماعی در ابتدا، در خانوادده صورت می گیرد. روابط پدر سالارانه فرد را آماده پذیرش سلسله مراتب اجتماعی می نماید. نقش تربیتی خانوادده در آموزش ایدئولوژی طبقه حاکم به آموزش تسلیم و اطاعت در برابر مافوق خلاصه می شود. خبرگان با قرار دادن وظیفه "بر آرج

مادری در پرورش انسانهای مکتبی بر این نکته تاکید دارند. در خانوادده رقابت، خشونت و علاقه به مالکیت خصوصی در شخصیت افراد شکل می گیرد. خانوادده یک نهاد ایدئولوژیک طبقه حاکم است. نهادی که در آن ایدئولوژی طبقاتی در آن تولید و تعدید می شود. هرگونه نصیان طبقه آن سرکوب می شود. در میان طبقات دارا خانوادده در انتقال و تمرکز ثروت نقش اساسی دارد. از وجوهی مصلحتی مخاطبر متمکز نبودن ثروتیای خانوادده هسای دارا صورت می پذیرد. اربت آن مکتبب اجتماعی "قابل قبول" است که توسط آن ثروتیای خانوادده های دارا بزرگنده شده و به نسل بعدی منتقل می شود. این امر تدایم با برابریای طبقه است. متمکز ثروتیای اجتماعی در انحصار بیک اقلیت را تضمین می کند.

خانوادده در میان دهقانسان و همچنین بسیاری از خانوادده های متوسط شهری نقش یک واحد تولیدی را ایفا می کند. تنها توسط گسار مملکت فرمای تمام اعضای خانوادده از کوچک و بزرگ، چنین خانوادده هسای می توانند زندگی بخور و نبر خود را تامین کنند. در کشورهای عقب افتاده و تحت سلطه امپریالیزم، بنا سبب ضعف رتائونی سرمایه داری این جوامع در جذب نیروی کار، این شکل از خانوادده، که بر کار تمام اعضای آن متکی است، دوام بیشتری می آورد. ادامه دارد.

## چه باید کرد، ابزار مبارزه زحمتگشان است

تشریح چه باید کرد، آزاد باید کرد!



چرا دادستان دادگاه سینمارکس می گوید:

## «عاقبت دادگاه را من زیاد خوش نمی بینم»؟!

نمی شود - سوری در تاریخچه این مسئله  
بروح نشان می دهد که خون قربانیان  
فاجعه بر دامن جمهوری اسلامی نقش  
بسته است - هیات حاکم نام ۳ میلیون  
نومانی را که به پنهان "کت" - پیسه  
پایانندگان فاجعه سینما رگس از خزانه  
کنور بیرون کشید به درون حلقه هم  
گشاد مقامات رنگارنگ جمهوری اسلامی  
سوزان کرد. آن چنان که بنا بر  
گزارش یزیدانه گیهان (مورخه ۵/۲۸ / ۵۱)،  
"جعفر سازش پدر دلقه بد" ۵ فرزند  
خاکستر شد - از وجود چنین گنگ  
مالی اید اطلاق ندارد - البته  
پایانندگان فاجعه نه تنها از هرگونه گنگ  
مالی بی نصیب ماندند بلکه از حسلان  
روانی - سیاسی حتی جنسی هیات  
حاکم نیز در امان نبودند - پایانندگان  
دلقه بد در جواب نامه ها و نگرانیهای  
تعدد دی که به "امام امت" و "رئیس  
جمهور منتخب ملت" مبنی بر درخواست  
رسیدگی قوی به پرونده سینما رگس -  
ارسال داشته اند - از درهای حجلت  
الاسلام هادی قناری یک از نمایندگان  
مجلس شورای اسلامی - برجسته آمریکایی  
را درینات کردماند و آیت الله آذری قمی  
دادستان سابق انقلاب اسلامی مسئولان  
"خدا انقلاب" را نا نشان کرده است - و  
تصمیم آنان را که بدت چهار ساه در  
اداره دارایی آبادان برگزار کرده و خود  
یکی از طولانی ترین محسن های تاریخ  
ایران بشمار می رود - در مراسم تفراس  
"معدت از آفرین و برشکوه" جمعه دهم  
مردا نورد تشریح حجت الاسلام جسی  
قیه در صفحه ۸

معاهده گرد بد و امروز نیز همچون گذشته  
از احقاق حقوق زنان و حقوق ملت هسا  
و از استقرار حاکمیت زحمتکشان عیسری  
نیست - همین لحاظ محاکمه دستگاه  
دیکتاتوری سلطنتش قویا به حاکم  
دستگاه استبداد روحانیت کنونی مبدل  
می گردد و هیات حاکم حاضر نیست بسا  
چنین صحنای زویو شود - حاضر نیست  
خود را در پشت میز محاکمه و درگسار  
ریم گنگ شده و در جوار حسین نگب طرزاده  
بماند - این رویه وحشتزده هیات حاکم  
بجز ساری توسط تقسیس دادستان  
اسلام دادگاه ویژه بیان شده است -  
"عاقبت دادگاه را من زیاد خوش نمی بینم"  
( نقل از گیهان ۵/۲۸ / ۵۱ ) بیس  
بی جهت نیست که هیات حاکم بر آن قریا است  
"محکم کاری" و "مراعات جانب" - حسنج  
و احتیاط - ریاست و حاکمیت شرع  
این دادگاه ویژه را به عهده حجلت  
الاسلام موسوی سوری - حاکم شرع  
دادگاه انقلاب اسلامی نیز نهاده گشته  
است - و ایشان همان کسی است که  
مازین خیزش اخیر نیز را - جبرج  
"خدا انقلاب" بودن در مقابل جوجه  
آتش قرار داد - مسلما کسی که دست -  
هایش تا به عقوبت خون آزادی خواهان  
آزادچان نیرو ولته است و در شمال  
فرس کشور نقش خد انقلابی را ایفا  
نموده قادر نیست جناحکاران خوزستان  
را به سزای اعاشان برساند و در جنوب  
فرس کشور از انقلاب دفا نصابه  
اما گاه هیات حاکم کنونی به صفر  
"بی توجیب" و بی "توازی" در امر  
رسدگی به فاجعه سینما رگس غلامسه

علی غابلین و انشای جزئیات این  
واقعه و مینترار همه خاکمه دستگاه  
سلطنت و استبداد پهلوی و نظام منسط  
و گنگ بد و سرمایه داری ایران  
خواست های سراسری کلیه توده های  
کارگر و زحمتکش ایران مبدل شده است -  
ریم جمهوری اسلام عاقبت بیس  
از گنگ بدی از دوسال از این واقعه  
هولناک ویش از یک سال ریم بیس از  
قیام بیس ما و خصوصا در بی فریب  
چهار ماه تصح پایانندگان قربانیان  
سینما رگس در تاستان طانک نورسانی  
جنب - به تشکیل دادگاه ویژه فاجعه  
مزبور تن در داده است - در این  
دادگاه که اولین جلسه آن از روز شنبه  
سوم شهریور شروع شده - هیات حاکم  
صحن دارد نا حسین نگب تقسیس زاده  
جوشکار سابق و عقوبت گزوه اسلام فسد  
شاه و یکی از مجریان طرح آدم سوری  
سینما رگس را به عنوان عامل اصلی این  
فاجعه معرفی نماید - در حالی که این  
دستگاه اختیاری و استبداد سلطنت پهلوی  
ریم منسط سرما به داری است که با پستی  
به عنوان مسین اساس فاجعه سینما  
رگس به محاکمه کشیده شوند - اما  
اجرای چنین کاری از هیات حاکم کنونی  
که خود وارث و مدافع همان دستگاه  
اعتناق و همان ریم استوارگرسا به اداری  
است - ساخته نیست - چرا که جهای  
سلطنت نشسته بر روی تخت طساوس را  
امانت نمیده بر روی منبر رفیع گرفتند -  
دستگاه جینس سازاک تحت اسم جد بد  
سازاما بازسازی شده - مجلس شسوزای  
شاهنشاهی با مجلس شورای اسلامی

ریم شاه در روز ۲۸ مرداد ۷۷ شرمه  
حاجت بیست و پنجم سالگرد کودتای  
خونین ۲۸ مرداد ۲۲ دستگ ۷۰۰ نفر  
تخاسا کشنده بگناه سینما رگس  
آبادان را که صدتا از خانواده های  
کارگران - زحمتکشان و خلق ستمدیده  
غرب آمده بودند - زنده زنده طعمه حریق  
نمود - با این که هفتصد نفر قربانی سینما  
رگس بدی کوچکی از مجموع سسوزان  
هزارگشته انقلاب کنونی را تشکیل می دهد  
ولی این فاجعه از نظر اهمیت سیاسی  
به یکی از مهم ترین وقایع تلخ تاریخ  
ایران مبدل گردیده است - "ریم  
آدم سوری در سینما رگس بازبین  
و عریان تر نظیر ضد انسانی دستگاه  
بنجاه ماله سلطنت و استبداد پهلوی  
محبوب می شد و احتیاط و گنگ بدگسی  
تصف ریم سرمایه داران را در انظار  
میلیون ها کارگر و زحمتکش کشور و در برابر  
افکار عیوس جهان بمنصه طیسر  
گذاشته - بیمن خاطر "وحشت بزرگی"  
که ریم شاه با آدم سوری در سینما رگس  
طی میازات مردم ندارد که بدید بود  
سرد - به تحریک بزرگ جنبش توده های ضد  
استبداد و ضد سلطنت نشین گردید -  
فاجعه آدم سوری ۲۸ مرداد ۷۷ تراکمه  
سادهای نبود و خاطره آن همانند  
حکایت نظامی ۱۷ شهریور همانسال  
و گودتای ۲۸ مرداد ۲۲ و حسلات  
مردا و قتل عام قاربا ۸ شهزلاتان ۵۹  
همچنان در صفحه ذهن کلیه استفسار  
شدگان و ستمدگان ایران باقی خواهد  
ماند - در همین رابطه گنگ به پایانندگان  
دلقه بد این فاجعه - شاسای و حاکمه

آزادی بیان و اندیشه ، بویزه آزادی مطبوعات ،  
یکی از اساس ترین دست آورده های قیام مردم ستمدیده  
و زحمتکش ایران طیه ارتجاع و استبداد است .  
بدون مطبوعات آزاد دفاع از منافع و خواست های  
زحمتکشان بخش حقایق مبارزات آنان و سازماندهی مبارزه  
در راه پیشبرد انقلاب ایران غیر ممکن است .  
ریم جمهوری اسلامی با جلوگیری از انتشار نشریات  
مخرف و انقلابی و سرپوش و دستگیری طرفداران آزادی  
مطبوعات از منافع سرمایه داران و زمیند اران دفاع می کند  
و به حملات ارتجاع بر دست آورده های قیام بهم ماه بساری  
می رساند .  
در برابر حملات هیات حاکم به آزادی مطبوعات مقاومت  
کنیم و به تولید نشریات مخرف و انقلابی اعتراض کنیم . باید  
جدیه - تمدنی از کلیه نیروها و سازمان های مخرف و  
انقلابی برای اعتراض به این حمله ارتجاعی تشکیل گسودد و  
مبارزه ای گسترده برای آزادی مطبوعات سازمان یابد .



**برای آزادی  
مطبوعات  
مبارزه کنیم!**